



عکس: محمد حسن صلواتی | شهرآرا

فاصله مشهد

تاشهر دوستدار کودک

بررسی حقوق کودکان با نگاهی به مصوبه شورای شهر درباره شهر دوستدار کودک

دغدغه کودکان

از مشهد تا ژنو

گزارشی از نحوه پیوستن به شهرهای دوستدار کودک یونیسکو

ترویج مسئولیت‌پذیری

در اداره امور شهری

گزارش نشست «عدالت ترمیمی-شهر ترمیمی»

ساماندهی زندانیان؛

تحولی بزرگ در بدنه قضائی

گفت‌وگو با معاون اجتماعی اداره کل دادگستری خراسان رضوی درباره ابداعات دستورالعمل رئیس قوه قضائیه

از «منطقه» دوستدار کودک به «شهر» دوستدار کودک می‌رسیم



شهریار آل‌شایخ
معاون برنامه‌ریزی و
توسعه سرمایه انسانی

«کودکان صاحبان آینده شهر هستند» یا «بگذاریم کودکان اختیار انتخاب آینده خود را داشته باشند» و حتی «شهر باید برای کودکان تسهیل شده باشد». این جملات در زمره هدف گذاری‌ها و سیاست گذاری‌های ثنوریک به شمار می‌آیند اما من مدیر اجرایی هستم و شهروندان از ما توقع اجرا دارند. پس آن جملات ابتدایی باشد برای اهل فن تحقیق و پژوهش.

شاید ذهن من و شما عادت کرده باشد که همه چیز را سیاه ببیند. ترافیک شدید برخی تقاطعات در ساعات پیک شب، آسفالت ناهموار برخی معابر، زباله‌های رها شده در برخی گوشه‌های شهر و امثال این موارد دستمان را باز می‌گذارد برای نقد مسئولان و تصمیم‌گیران شهر و مملکت. اما اتفاقاً در مورد مسئله مورد بحث این یادداشت، اوضاع آن قدرها هم بد نیست.

این‌ها را از گفت‌وگوهایم با کسی به تحریر می‌آورم که این شهر را از زاویه انتقادی دیده است و کارش حوزه کودک است. از ویل پارکس صحبت می‌کنم، نماینده سابق یونیسف در ایران. او را سال گذشته، یعنی دی‌ماه ۹۷، به مشهد دعوت کردیم. این اولین سفر یک مدیر یونیسف به مشهد بود. در گفت‌وگویی که آن روز داشتیم، از ظرفیت‌های

مشهد در حوزه کودک شگفت‌زده شده بود. می‌دانست که به کلان‌شهر دوم ایران سفر کرده و از جمعیت سه و نیم میلیون نفری آن خبر داشت. می‌دانست مشهد حاشیه‌ای وسیع و پرجمعیت دارد. در جلسه‌ای که به شورای شهر رفته بود، در گفت‌وگو با اعضای محترم شورا و متخصصان مدعو به جلسه، با معضلات و چالش‌های شهر آشنا شده بود اما از فضاهای شهری کودک، پارک‌ها، فضاهای آموزشی، مجموعه‌های خلاقیت و بازی کودکان و کتابخانه‌ها و کارویژه‌های آموزش هنر و فنون دیگر به کودکان شهرمان خبر نداشت. همین مسئله او را متعجب کرده بود. همراه با معاون فرهنگی وقت شهردار، با او گفت‌وگویی مفصل داشتیم. قول ویژه برای حمایت از مشهد داد تا در عرصه‌های بین‌المللی، همان قدر که ظرفیت دارد عرضه شود. او پس از حضور، به این نکته معترف بود که «مشهد تمامی ظرفیت‌های لازم برای شهر دوستدار کودک شدن را دارد».

چند روز بعد از این سفر مهم، با همت و پایمردی چندماهه دکتر حسینی پویا، رئیس محترم کمیسیون حقوقی شورای اسلامی شهر، این شورا طی مصوبه‌ای، شهرداری را ملزم کرد پیگیر تحقق «مشهد، شهر دوستدار کودک» شود. همکاران من هم در معاونت برنامه‌ریزی با همراهی دیگر مجموعه‌های مدیریت شهری با انرژی مضاعف نسبت به گذشته، به سوی اجرایی شدن این مهم پیش رفتند. در این پروژه، ابعاد گوناگون شهری اعم از بعد فرهنگی، اجتماعی، کالبدی، روان‌شناختی و زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفتند.

از آن پس، همکاری‌ها با وزارت کشور در این مسیر شدت گرفت. وزارت کشور مشهد را در ردیف چند شهر معدود ایران که قابلیت‌هایی ویژه برای تبدیل شدن به شهر دوستدار کودک دارند قرار داد. بر اساس دستورالعمل ابلاغی آن وزارت، شورای سیاست‌گذاری شهر دوستدار کودک در شهر مشهد تأسیس شد تا بتواند هماهنگی بیشتری در بدنه اجرایی شکل بدهد.

اکنون فعالیت‌های زیادی در مشهد در راستای ابتکار شهر دوستدار کودک انجام شده است. طبق شیوه‌نامه یونیسف و وزارت کشور، مشهد در مرحله پایلوتینگ قرار دارد و منطقه ۵ این کلان‌شهر، در این پروژه به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد. پژوهش‌های لازم در این منطقه انجام شده است و اکنون در مرحله برنامه عملیاتی هستیم. نگاه ما در انتخاب منطقه پایلوت، متمرکز بر منطقه‌ای بود که به لحاظ پژوهش‌های اجتماعی و اقتصادی، گواهی بر محروم بودن ویژه آن منطقه وجود داشته باشد. بر این اساس، منطقه ۵ انتخاب شد.

مدیریت آمار، پژوهش و مطالعات راهبردی در بدنه معاونت برنامه‌ریزی، پژوهشی با هدف آسیب‌شناسی منطقه از دید کودکان ساکن در آن انجام دادند تا نیازسنجی لازم صورت بگیرد. سپس به شیوع‌شناسی آن پرداختند تا مشخص شود نیازهای کودکان با چه سهمی برای همه کودکان ساکن در منطقه عمومیت و شیوع دارد. احتمالاً در روزهای انتشار این یادداشت، خروجی نهایی این پژوهش حاصل شده و روی میز بدنه تصمیم‌گیر و اجرایی مدیریت شهری قرار گرفته باشد. بنابراین باید خود را آماده گام‌های اساسی

برای تبدیل منطقه ۵ مشهد به عنوان منطقه دوستدار کودک کنیم. اقدامات لازم در همه حوزه‌های شهرسازی، حمل‌ونقل، عمرانی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، آموزشی و محیط‌زیستی خواهد بود. پس این مسئله ابعاد کالبدی و روبنایی را توأمان خواهد داشت.

اما تبدیل مشهد به عنوان شهر دوستدار کودک به عنوان یک شهر با جمعیت ۳،۵ میلیون نفر که قطعاً همان‌گونه که شاهد هستید دارای کودکان کار، کودکان درگیر با بی‌بضاعت و کم‌بضاعت و دیگر مشکلات است، کاری آسان و کوتاه‌مدت نیست. هر شهر دیگری هم با چنین جمعیتی در هر جای جهان، با چنین مشکلاتی مواجه است. وجود یک متکدی کودک سر تقاطع‌های شهر، می‌تواند مانع پیوستن مشهد به جمع شهرهای دوستدار کودک یونیسف شود. پس واقعا با کار سختی مواجهیم.

در این مسیر، بسیاری از دستگاه‌های اجرایی شهر همچون آموزش و پرورش، بهزیستی، کمیته امداد، آستان قدس رضوی، فرمانداری، استانداری و بخش‌های دیگر اجرایی دخیل بوده‌اند و به کمک آن‌ها نیاز است. قطعاً هدف ما شعار شهر دوستدار کودک نیست بلکه می‌خواهیم خروجی ملموسی داشته باشیم که واقعا قابل افتخار باشد. همراهی‌های وزارت کشور و سازمان جهانی یونیسف، کمک‌حال ما در مسیر این پروژه بزرگ شهری است و به لطف خدا، قدم‌های بعدی در این مسیر را به اطلاع شهروندان عزیزمان خواهیم رساند.





فاصله مشهد تا شهر دوستدار کودک

مشاور حقوقی شهردار مشهد از معیارها و ساختار مورد نیاز شهر دوستدار کودک می‌گوید



محمد حسین خسروی
کارشناس حقوقی و
خبرنگار

شورای شهر مشهد دی‌ماه سال گذشته مصوبه شهر دوستدار کودک را به تصویب رساند. این مصوبه در صدد فراهم کردن محیط مناسبی برای رشد کودکان است. بر این اساس تلاش می‌شود کودکان در برابر استثمار، خشونت و سوءاستفاده محافظت شوند، به خدمات اجتماعی باکیفیت دسترسی داشته باشند، عقاید خود را بیان کنند، در مورد تصمیماتی که روی آن‌ها تأثیر می‌گذارد اظهار نظر کنند، در زندگی خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی مشارکت داشته باشند، در فضایی امن و پاکیزه زندگی کنند و مکان‌هایی برای بازی داشته باشند. هر چند مسئولیت اصلی تحقق حقوق کودکان بر عهده دولت‌هاست، شهرداری و مدیریت شهری نقش مهمی در ایجاد شهرهای دوستدار کودک دارند. به همین منظور، گفت‌وگویی با دکتر عباس شیخ‌الاسلامی، مشاور حقوقی شهردار، انجام گرفته است تا از منظر حقوقی به نقش نهادهای مؤثر بر این فرایند پرداخته شود.

قوی نیست. در حوزه حقوق کودکان در مشهد با یک سری معضل مواجهیم. به طور تقریبی، سالانه ۲۰۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ سال در مشهد ازدواج می‌کنند. در برخی از موارد، شاهد تجاوز جنسی حتی از سوی خانواده‌ها هستیم. دادگاه‌های کیفری معمولاً تجاوز را در مفهوم لواط به کار می‌برند. لذا تامل آسیب جدی ندیده باشد، قابل مجازات نیست. متأسفانه عناوین مجرمانه خاص نداریم و حمایت کافی وجود ندارد. هر چند دادگاه‌های اطفال وجود دارد، در همان حوزه قضایی که به جرم قاتل رسیدگی می‌شود مستقر هستند. لذا به نظرم تشکیل مجتمع قضایی خاص کودکان در مشهد ضرور به نظر می‌رسد.

با بررسی قوانین درمی‌یابیم کودکان به نحو مطلوب مورد حمایت قرار نگرفته‌اند و لازم است در قوانین بازنگری شود. برای مثال، سن بلوغ نیز با توجه به شرایط فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا رشد عقلی و جنسی دختران در ۹ سال کامل نیست. لذا معتقدم قوانین چه در حوزه بزه‌دیدگی چه در حوزه بزهکاری باید متناسب با زمان و مکان مورد بازنگری قرار گیرد.

چالش اصلی شهرداری مشهد در راستای ایجاد شهر دوستدار کودک چیست؟

معتقدم ابتدا نگاه مسئولان شهری باید تغییر کند. شورا و شهرداری نهایتاً در حوزه اختیارات خود فعالیت می‌کنند اما نهادهایی مثل آموزش و پرورش، بهزیستی، نیروی انتظامی و ... که از آن‌ها نام بردم نقش مؤثری دارند. شورای شهر به عنوان مجری طرح شهر همگان و منشور حقوق شهروندی در حد وسیع و توانایی خود فضاهای عمومی را فراهم می‌آورد. اکنون منطقه ۵ به صورت پایلوت انتخاب شده، مؤلفه‌های شهر دوستدار کودک نیازسنجی شده است و در حال اجرا شدن است. امیدوارم شورا و شهرداری بتوانند در این راستا موفق عمل کنند. /

پرورش نیز در ایام تعطیل، فضاهای مدارس را در اختیار کودکان قرار دهد. همچنین اردوهای مدارس بیشتر شود. مدارس طبیعت نیز نقش مؤثری در شکل‌گیری شهر دوستدار کودک دارند. به نظرم، علت تعطیلی این مدارس باید آسیب‌شناسی شود تا خانواده‌هایی که دوست دارند فرزندانشان در دامن طبیعت بزرگ شوند از این حق محروم نباشند. قبلاً مساجد محلی برای فعالیت کودکان بودند و کلاس‌های فوق برنامه برگزار می‌کردند اما امروزه غالباً کارکرد مساجد برای بزرگسالان است. به طور کلی، نباید از نقش مؤثر محلات در این حوزه غافل شویم. شهر دوستدار کودک تفکری است که باید وجود داشته باشد.

فرهنگ‌سراها نیز بر شکل‌گیری شهر دوستدار کودک نقش دارند. برای مثال، فرهنگ‌سراهای خاص کودکان ایجاد شوند یا در روزهایی که آموزش و پرورش تعطیل است، فضای فرهنگ‌سرا به طور ویژه در اختیار کودکان قرار گیرد.

فراموش نکنیم که کودکان بخش چشمگیری از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند که باید به نیازهای آنان توجه شود. متأسفانه ما به دنبال کشف استعدادها و کودکانمان نیستیم. کودکان آزاد نیستند و به سمت آرمان‌های خود نمی‌روند. خانواده‌ها در تلاش‌اند کودکان مسیر مشخص و واحدی برای تحصیل طی کنند و اصلاً به علاقه‌مندی‌های آنان توجه نمی‌کنند. در نظر داشته باشیم چنین کودکانی حتی اگر در رشته تحصیلی موفق باشند، همواره خلایی در وجودشان احساس می‌شود. در مجموع، باید همه نهادها، از خانواده گرفته تا شهرداری، آموزش و پرورش، مساجد و فرهنگ‌سراها، در ایجاد شهر دوستدار کودک مشارکت کنند.

به نظر شما قوانین مرتبط با حقوق کودکان تا چه میزان تضمین‌کننده حقوق آنان است؟

متأسفانه جنبه حمایتی قوانین موجود

به تصویب رسید. شورای شهر در صدد توسعه حقوق شهروندی، به عنوان یکی از شعارهای خود، برآمد. شهر دوستدار کودک، شهر حامی معلولان، شهر پیاده‌رو و به طور کلی شهر همگان، همگی، ناشی از منشور حقوق شهروندی هستند. برای شکل‌گیری شهر دوستدار کودک، سازمان یونسف استانداردهایی را بررسی می‌کند و در صورت رعایت همه مؤلفه‌ها، در نهایت، برند شهر دوستدار کودک دریافت می‌شود. با توجه به کنوانسیون حقوق کودک و مستندات قانونی در آیین دادرسی کیفری و مواردی که در باب مسئولیت کودکان و نوجوانان آمده است، کودک شامل اشخاص زیر ۱۸ سال می‌شود.

شکل‌گیری شهر دوستدار کودک مشارکت کدام نهادها را می‌طلبد؟

بدون شک، ایجاد شهر دوستدار کودک صرفاً با اقدامات شورای شهر و مدیریت شهری محقق نمی‌شود. برای مثال، برای داشتن شهر دوستدار کودک باید در دیگر نهادها مانند سیستم آموزش و پرورش ورود کنیم. ذهنیت خانواده‌ها و متولیان آموزش و پرورش از همان کودکی، موفقیت دانش‌آموزان در کنکور است. متأسفانه امروزه در مدارس صرفاً یک سری محفوظات به کودکان آموزش داده می‌شود که غالباً در زندگی شان هیچ کاربردی ندارد. این نگرش ضد کودک است. با این وضعیت، کودکان کودکی نمی‌کنند. کوچک شدن مدارس و به حاشیه رفتن زنگ ورزش و ... سبب نادیده گرفتن حقوق کودکان می‌شود. شاید به خاطر داشته باشید قبلاً کودکان در کوچه‌ها بازی می‌کردند و خیابان‌ها محل‌های امنی برای آنان بودند. این در حالی است که امروزه کودکان همواره از اینترنت و رایانه استفاده می‌کنند که در نهایت، به گوشه‌گیری آنان منجر می‌شود. شهر دوستدار کودک باید فضای ضد کودک را بشکند. شهرداری باید فضای ورزشی کافی فراهم کند. آموزش و

شهر دوستدار کودک به چه معناست؟ پیشینه این طرح چیست؟

شهر دوستدار کودک شهری است که در آن، خواسته‌های کودکان به رسمیت شناخته شود و از آن حمایت شود تا شهری مردسالار و مختص بزرگسالان نداشته باشیم. در چنین شهری، امکان دسترسی به خدمات برای کودکان وجود دارد. اگر به فضای شهری مشهد دقت کنیم، درمی‌یابیم این شهر خودرومحور است به این معنا که استفاده از دوچرخه رایج و تا اندازه‌ای ایمن نیست و کودکان غالباً با خودرو والدین یا سرویس به مدرسه می‌روند. این طرح در تلاش است کودکان مسیر طبیعی رشدشان را طی کنند.

طبق تحقیقات صورت گرفته، شهر دوستدار کودک از موارد توسعه حقوق شهروندی و حقوق بشر است که در دسته سوم حقوق بشر قرار می‌گیرد. دسته نخست حقوق بشر حقوق مدنی و سیاسی است. دسته دوم حقوق اجتماعی و اقتصادی است. دسته سوم حقوق مذکور حق همبستگی و گروه‌های خاص است. بر این اساس، از سال ۱۹۸۰ به بعد حق کودکان به مفهوم عام و شهر دوستدار کودک به مفهوم خاص شکل گرفت و به تدریج، گروه‌های خاص و اقشار آسیب‌پذیر مورد حمایت قرار گرفتند تا اینکه در سال ۲۰۰۷، «بندیکو» در استرالیا نخستین شهر دوستدار کودک در جهان معرفی شد. اما توجه به مفهوم شهر دوستدار کودک در ایران سابقه چندانی ندارد. شاید اولین توجه جدی به این موضوع پس از زلزله مخرب بم در سال ۱۳۸۲ بود. هر چند شهر اوز استان فارس در سال ۱۳۸۹ اقداماتی در این راستا انجام داد، هنوز شهر دوستدار کودک ثبت‌شده‌ای در یونسف نداریم.

انگیزه شورای شهر از تصویب مصوبه شهر دوستدار کودک چه بود؟

این مصوبه در راستای پیمان‌نامه‌ها و اعلامیه‌های جهانی حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک؛

بارزترین جلوه اجماع اراده جامعه جهانی



مهران طرحی
دانشجوی دکتری حقوق
بین‌الملل

اگرچه حقوق بشر حقوقی عام‌الشمول و یکپارچه است و به تمام انسان‌ها، فارغ از ملیت، مذهب، رنگ، نژاد و جنسیت تعلق می‌گیرد، برخی گروه‌ها به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر، به طور ویژه مورد توجه دولت‌ها و اسناد حقوق بشری قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه، کودکان و زنان از گروه‌هایی هستند که حقوق آنان در چهارچوب اسناد خاصی تدوین و با پذیرش بسیار مناسبی نیز روبه‌رو شده است. از قرن نوزدهم به بعد، عموم کشورها به این نتیجه رسیدند که مسئله حقوق کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است و با اذعان به وجود تفاوت در نیازهای بزرگسالان و کودکان، ایجاد قواعد حقوقی مختص این قشر را نیز برای قانون‌گذاری در دستور کار خود قرار دادند. توجه به این حقوق خاص سبب شد که اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ به تصویب بسیاری از دولت‌ها برسد. با این حال، به دلیل برخوردار نبودن این سند از ضمانت اجرایی مؤثر و همچنین برخی ضعف‌های دیگر، کشور لهستان در سال ۱۹۷۸ پیشنهادی را در قالب یک طرح به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تسلیم کرد. با وجود اختلاف نظر و بحث و بررسی بسیار، حدود یک دهه بعد طرح کنوانسیون حقوق کودک با تغییرات و دریافت نظر کارشناسان و سازمان‌های غیردولتی تخصصی در حوزه کودکان، به تصویب کمیته حقوق بشر رسید. با ارائه این طرح به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک به موجب قطعنامه شماره ۲۵/۴۴ در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب رسید و رفته‌رفته کشورهای بسیاری به پذیرش آن سند اقدام کردند به نحوی که امروزه کنوانسیون حقوق کودک را می‌توان مقبول‌ترین سند حقوق بشری قلمداد کرد. به جز ایالات متحده آمریکا، دیگر کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز به امضا و پذیرش این کنوانسیون اقدام کرده‌اند؛ مسئله‌ای که در مورد دیگر اسناد بین‌المللی صادق نیست.

پذیرش کنوانسیون حقوق کودک به پاسخ‌گویی دولت پذیرنده در صورت نقض مفاد آن و در برابر دیگر اعضای جامعه بین‌المللی منجر خواهد شد. به همین دلیل، کشورها بعد از پذیرش این سند، به هماهنگ کردن قوانین داخلی خود با آن اقدام می‌کنند تا از هر گونه تعارض و تضاد میان تعهد بین‌المللی آن‌ها و قوانین داخلی پیشگیری شود. بنابراین، این مسئله به خوبی نشان می‌دهد که کنوانسیون حقوق کودک از نظر برخورداری از ضمانت اجرا

با دیگر اسنادی که پیش از آن در مورد حقوق کودک تصویب شده بود تفاوتی اساسی دارد و نقض آن موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض خواهد شد. همچنین به دلیل مقبولیت بسیار وسیع آن در میان اعضای جامعه جهانی، می‌توان ادعا کرد که مفاد آن به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بدل شده است و این مسئله لزوم احترام به این سند را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

به هر تقدیر در خصوص ماهیت و عناصر تشکیل‌دهنده این سند، باید بیان کرد که این کنوانسیون دربرگیرنده یک مقدمه و ۵۴ ماده است که بخش ابتدایی و مفصل مواد آن به بیان حقوق کودکان و ذکر تکالیف دولت‌ها در برابر آن حقوق پرداخته است. با این حال، بدیهی است که پیش از هر چیز باید منظور کنوانسیون از کودک را درک کنیم؛ زیرا بدون فهم موضوع این سند، قابلیت اعمال و اجرای آن با ابهامات بسیار جدی روبه‌رو خواهد شد. به موجب ماده نخست کنوانسیون حقوق کودک «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه به موجب قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». این مقرر به خوبی نشان می‌دهد که به رغم در نظر گرفتن سن ۱۸ سال برای تفکیک میان کودک و بزرگسال، ملاک اصلی برای تشخیص این سن، قانون متبوع شخص است. همین مسئله موجب دشواری‌های بسیاری شده و به‌خصوص هماهنگ‌سازی قواعد حقوقی ناظر بر رفتار کودکان را با مشکلات گوناگونی مواجه ساخته است. برخی کشورها امکان دریافت گواهی‌نامه رانندگی و سن برخورداری از حق رأی را ملاک ورود به بزرگسالی ذکر کرده‌اند، در صورتی که برخی کشورهای دیگر بادر نظر گرفتن ملاک‌های شرعی، سن کمتری را برای احراز بزرگسالی و بلوغ ملاک عمل قرار داده‌اند. از گروه نخست می‌توان به کشور انگلستان و از گروه دوم به ایران اشاره کرد.

با این حال، به نظر می‌رسد که مبنای این اختلاف نظرها در فردی بودن سن بلوغ فکری و جسمی است که از شخصی به شخص دیگر می‌تواند متفاوت باشد. به دلیل تفاوت در نیازهای عاطفی، جسمانی، شخصیتی، شناختی و اجتماعی که عموماً کودکان با بزرگسالان دارند، کنوانسیون حقوق کودک نیز حقوقی را برای این افراد ضروری دانسته و آنان را مورد حمایت بیشتری قرار داده است. این کنوانسیون از کشورها می‌خواهد که در راستای احترام هر چه بیشتر به این حقوق و تلاش در راستای رشد شخصیتی مناسب‌تر اشخاص از همان سال‌های ابتدایی زندگی با یکدیگر همکاری کنند. در عمل نیز می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد که مبحث حقوق کودکان با استقبال بی‌نظیر کشورهای جهان مواجه شده و اراده جمعی آن‌ها در تکریم و شناسایی این حقوق در قالب کنوانسیون حقوق کودک، مجسم شده است. با وجود این،

این مسئله به معنای نقض نشدن این حقوق از جانب دولت‌ها نیست بلکه موارد نقض نیز اتفاق می‌افتند که البته کاستن از این موارد نیز نیازمند همکاری‌های بیشتر بین‌المللی است. با مطالعه بخش نخست کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان دریافت که این سند بیش از هر چیز دیگری بر شناسایی حقوق ذیل برای کودکان تأکید دارد:

۱- حقوقی که اصول زیربنایی و اساسی کنوانسیون هستند.

ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک یکی از اصول مبنایی و اساسی حقوق بشر را که اصل «منع تبعیض» نام دارد، در مورد حقوق کودکان نیز مورد اشاره صریح قرار داده و از کشورهای طرف کنوانسیون می‌خواهد که حقوق مندرج در این سند را بدون هر گونه تبعیضی از حیث رنگ، نژاد، جنسیت، مذهب و ملیت برای تمامی کودکان مورد شناسایی قرار دهند. این مورد البته با برخی اندیشه‌های حقوقی هماهنگ نیست. به عنوان نمونه، حقوق اسلام جنسیت را ملاک تبعیض در برخورداری از حقوق تکلیف می‌داند، و اندیشمندان مسلمان بر این عقیده‌اند که این موضوع نوعی تبعیض عادلانه، و با توجه به اختلاف در وضعیت جسمانی ۲ جنس مذکر و مؤنث، قابل توجیه است. همچنین ماده ۳ کنوانسیون، به در نظر گرفتن مصلحت کودک در هر مسئله‌ای تأکید و بیان می‌کند که هر عملی فارغ از اینکه از سوی نهاد‌های عمومی یا خصوصی متولی رفاه در جامعه صورت بگیرد یا توسط مقامات اجرایی یا تقنینی، باید با رعایت مصلحت کودک انجام شود. برخی از حقوق دانان مسلمان عقیده دارند که این اصل، یعنی در نظر داشتن مصلحت کودک، موضوعی است که در حقوق اسلام نیز دارای مبانی و ریشه‌های بسیار قوی است. در کنار این اصول، کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد مسئولیت اولیه رشد و پرورش و رفاه کودک را بر عهده خانواده‌ها بگذارند و خود به طور مستقیم در این زمینه دخالت نکنند مگر اینکه کودکی خانواده مشخص نداشته باشد یا خانواده او از انجام تکالیف خود امتناع کنند.

حق بر حیات، رشد و بقا نیز در ماده ۶ این کنوانسیون به عنوان اساسی‌ترین حق کودک تصریح و تأکید شده است. با این حال، به خوبی می‌دانیم که حق حیات به کودک اختصاص ندارد و در مورد همه انسان‌ها به طور یکسان و بدون استثنا قابل تسری است. حق حیات حتی است که دیگر حقوق در کنار آن معنی می‌یابد و در حقیقت می‌توان سایر حقوق را فرع بر این حق دانست. به همین دلیل، تکلیف دولت‌ها در مواجهه با حق حیات، انجام فعل مثبت در راستای صیانت از آن حق است و باید با اتخاذ تدابیری مؤثر برای هر چه

کمتر شدن مرگ‌ومیر در میان کودکان گام بردارند. بنابراین یک دولت نمی‌تواند صرفاً با پاسداشت حق حیات، خود را از انجام اقدامات مثبت مبری کند بلکه باید با انجام اقدامات جدی، افزایش رفاه اجتماعی، بالا بردن سطح بهداشت و رفاه اجتماعی، امید به زندگی کودک را افزایش دهد و برای تکریم حق حیات وی بکوشد. در حقیقت، احترام به حق حیات کودک، خود، موجد تکالیف دیگری برای دولت است که برای تضمین این حق ضرورت دارند.

حق بر حیات، رشد و بقا نیز در ماده ۶ این کنوانسیون به عنوان اساسی‌ترین حق کودک تصریح و تأکید شده است

کمتر شدن مرگ‌ومیر در میان کودکان گام بردارند. بنابراین یک دولت نمی‌تواند صرفاً با پاسداشت حق حیات، خود را از انجام اقدامات مثبت مبری کند بلکه باید با انجام اقدامات جدی، افزایش رفاه اجتماعی، بالا بردن سطح بهداشت و رفاه اجتماعی، امید به زندگی کودک را افزایش دهد و برای تکریم حق حیات وی بکوشد. در حقیقت، احترام به حق حیات کودک، خود، موجد تکالیف دیگری برای دولت است که برای تضمین این حق ضرورت دارند.

۲- حق برخورداری از هویت شخصی و مستقل

حق بر داشتن نام، کسب تابعیت، ثبت تولد کودک و همچنین مشخص بودن والدین او یا برخورداری از سرپرست برای وی از حقوقی است که در ماده ۷ و ۸ کنوانسیون حقوق کودک برای او به رسمیت شناخته شده و بر ضرورت وجود این موارد برای کودک تأکید شده است. همچنین می‌توان به آزادی عقیده کودک به عنوان نتیجه هویت مستقل وی اشاره کرد که در ماده ۱۲ این سند تصریح و در ادامه، بر لزوم احترام به آزادی بیان کودک تأکید شده است. با این حال، می‌توان از این مقرر و مفاد آن این گونه برداشت کرد که صرف کودک بودن نباید مانعی در راستای تمتع یا بهره‌گیری فرد از حق بر آزادی اندیشه، بیان و مذهب باشد. همچنین والدین و سرپرستان کودک وظیفه دارند وی را برای اعمال این حقوق هدایت کنند. کودک نیز باید به گونه‌ای آموزش ببیند که بتواند رفته‌رفته محدودیت‌های آزادی عقیده و بیان

آگاهی‌های سالم، تسهیل و تضمین کند.

۷- حق برداشتن سرگرمی و اوقات فراغت

ماده ۳۱ کنوانسیون نیز به مواردی اشاره می‌کند که موجبات تفریح و آرامش کودک را فراهم می‌آورد و در نتیجه موجب پرورش خلاقیت‌های کودک می‌شود. سند مزبور از کشورهای عضو می‌خواهد که این حق را تکریم و به ترویج و توسعه آن اقدام کنند. به علاوه، ماده ۳۲ از دولت‌ها می‌خواهد از استثمار اقتصادی کودک اجتناب ورزیده و از به کار گرفتن کودک در هر کاری که به زیان او، بر خلاف مصلحت وی یا موجب توقف تحصیل او باشد جلوگیری کنند. ضمناً سوءاستفاده از کودکان برای تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر و محرک با ممنوعیت شدید روبه‌رو شده است. در مورد حقوق کودک نیز مانند دیگر حقوق بشری، مخاطب تعهدات، دولت‌ها هستند. در این کنوانسیون نیز در حدود ۴۳ ماده به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر ضرورت مداخله دولت در تضمین حقوق کودک تأکید شده است. همچنین در کنار تمام این حقوق و دیگر حقوقی که در کنوانسیون حقوق کودک برای کودکان شناسایی شده است، در سال ۲۰۰۰، پروتکل اختیاری برای کنوانسیون حقوق کودک تصویب شد که البته کشورهای گوناگونی با امضای آن پروتکل‌ها به آن‌ها اعتبار قانونی بخشیدند؛ نخست، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد تن‌فروشی و پورنوگرافی کودکان بود که هر کدام در تلاش بودند تا جنبه‌های جدید و مهم دیگری از حقوق نادیده گرفته شده کودک را قاعده‌مند و توجه جامعه جهانی را به آن موارد جلب کنند.

دولت جمهوری اسلامی ایران در ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرد و این سند در سال ۱۳۷۲ نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در نتیجه ایران به یکی از دولت‌های عضو آن سند بدل شد. با این حال، جمهوری اسلامی به اعمال شرط بر کنوانسیون حقوق کودک اقدام و هنگام الحاق به کنوانسیون بیان کرده است که چنانچه مفاد کنوانسیون در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، آن بخش از مفاد برای جمهوری اسلامی لازم‌الرعایه نخواهد بود. با این حال، همواره سازمان‌های بین‌المللی فعال در این حوزه در مورد رعایت حقوق کودکان در ایران با تردیدهای جدی روبه‌رو بوده‌اند. این حساسیت‌ها بیش از هر چیز در مورد مسئله ازدواج کودکان و کودک‌همسری مطرح شده است که مسئله بر خلاف مصلحت کودک می‌باشد. در همین راستا، در ۲ دهه اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته است تا قوانین حمایتی داخلی ایران به استانداردهای مندرج در کنوانسیون نزدیک‌تر شود و گام‌هایی در راستای هماهنگی بیشتر با اصول مقرر در کنوانسیون برداشته شود اگر چه به نظر می‌رسد به دلیل اختلافات مبنایی در فقه اسلامی و کنوانسیون حقوق کودک، این هماهنگی به طور کامل ممکن نباشد. تلاش نامطلوب قانون‌گذار ایران نیز صرفاً در حد پایین نگه‌داشتن فشارهای بین‌المللی باقی مانده است.



است. دولت‌ها به موجب این مواد، مکلف‌اند تا خدمات بهداشتی و پزشکی ضروری را برای کودکان به طور بیشینه فراهم آورند و خدمات ویژه‌ای را نیز برای کودکانی در نظر بگیرند که والدین شاغل دارند. حق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی و بیمه نیز در راستای اجرای هرچه بهتر حق برخورداری از بهداشت، باید از سوی دولت‌ها تضمین شود. همه این موارد باید به نحوی صورت پذیرند که در نهایت موجب برخورداری کودک از سطح مناسب زندگی برای رشد جسمی، روحی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی گردند.

۶- حق بهره‌مندی از آموزش

ایجاد امکانات لازم برای آموزش صحیح کودک و پرورش استعدادهای فردی آن از جانب دولت، حق دیگری است که ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مورد شناسایی و تصریح قرار گرفته است. در راستای تضمین و اجرایی ساختن همین حق، سند مزبور بر آموزش ابتدایی رایگان و توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه و عالی تأکید کرده است. همچنین ماده ۲۹ در ۵ بند به اهداف آموزش کودکان اشاره و در خلال آن، بیان کرده است که هدف آموزش کودک باید در راستای توسعه شخصیت، استعداد و توانمندی‌های ذهنی و جسمانی فرد باشد و به افزایش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی او منجر شود. به علاوه، ماده ۱۷ کنوانسیون نیز از کشورهای عضو خواسته است دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع ملی و بین‌المللی و همچنین دسترسی به رسانه‌های گروهی را برای وی و در راستای ارتقای سطح فرهنگ و

در این مواد، ممنوعیت بدرفتاری با کودکان، به خصوص کودکان بی سرپرست و محروم از خانواده، فرزندخوانده‌ها و کودکان پناهنده و آواره مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته و حمایت‌های ویژه‌ای نیز برای این کودکان مقرر شده است. به عنوان نمونه، تکلیف دولت برای تعیین سرپرست و کفیل برای کودک بی سرپرست، اعزام این کودکان به مؤسسات مراقبتی و انجام مراقبت‌های جایگزین، ضروری قلمداد شده است. همچنین در مورد کودکان پناهنده، بر ضرورت همراهی آنان با خانواده خود و عمل بر مبنای موازین حقوق بشری تأکید شده است.

۴- حق مشارکت و آزادی‌های مدنی

علاوه بر حق آزادی اندیشه و بیان که پیش‌تر اشاره شد، در مواد ۱۴ تا ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان حقوقی را مشاهده کرد که بخش دیگری از آزادی‌های مدنی کودک را شامل می‌شوند. به عنوان نمونه، حق شرکت در اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز، دخالت نکردن در امور خصوصی کودک، آموزش زبان به کودکانی که به یک گروه اقلیتی و بومی خاص تعلق دارند از این موارد است. در ماده ۳۰ نیز بر این نکته تأکید شده است که کودکان عضو یک اقلیت قومی یا مذهبی باید حق برخورداری از فرهنگ و تعالیم مذهبی و فرهنگی خود را داشته باشند.

۵- حق برخورداری از بهداشت

مواد ۲۴، ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز به بیان حقوقی برای کودک پرداخته‌اند که مستلزم سلامت و تضمین بهداشت ایشان

را نیز در هنگام اعمال این حقوق، مورد توجه قرار دهد. برخی‌ها معتقدند به موجب همین اصول، کنوانسیون قصد داشته است کودک را از فشارهای مذهبی و اعتقادی برهاند؛ در نتیجه، کودک به گونه‌ای رشد یابد که خود بتواند با رسیدن به بلوغ فکری، دین و عقیده خویش را برگزیند. این مسئله‌ای است که با مبانی فکری ایدئولوژی محور در تعارض است. بسیاری از مذهب‌یون بر این عقیده‌اند که ریشه‌های تفکر مذهبی را باید از کودکی در اندیشه فرد مستحکم کرد و او را به آداب و مناسک دینی عادت داد. یکی از نقاط اختلاف کنوانسیون با دولت‌های اسلامی نیز در همین اعطای آزادی عقیده و بیان به کودک است.

در راستای اعمال دقیق و صحیح همین حق است که ماده ۱۶ کنوانسیون، دخالت و ملاحظات غیرقانونی و خودسرانه در مسائل خصوصی و خانوادگی و مکاتبات کودکان را منع کرده است. در عصر جدید، این مقرر به بدن معنی است که حتی دخالت والدین کودک در بررسی محتوای چت‌ها و شبکه‌های اجتماعی کودک باید از جانب دولت ممنوع شود. این در حالی است که عده‌ای از کارشناسان علوم تربیتی و حتی حقوق دانان محافظه‌کار، اعطای این درجه از استقلال را به مصلحت کودک نمی‌دانند.

۳- حق برخورداری از حمایت‌های قانونی ویژه

در کنار این حقوق، مواد ۱۹ تا ۲۲ کنوانسیون از حمایت‌های خاصی صحبت کرده است که شاید در مورد همه کودکان مصداق نداشته باشد اما دارای حساسیت ویژه و اساسی است که توجه به آن‌ها بسیار ضرورت دارد.



عکس را منتشر نکن!

انتشار تصاویر کودکان در فضای مجازی
مغایر با موازین حقوق بشری

دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها تحت حمایت قانون قرار دارد. از سوی دیگر، بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک با به رسمیت شناختن حق والدین بر تربیت کودک مقرر می‌دارد که «دولت‌های عضو (کنوانسیون) باید حق‌ها و تکالیف والدین و حسب مورد، سرپرستان قانونی را در هدایت کودک برای اعمال حق خود به شیوه‌ای سازگار با توانایی‌های بالنده کودک رعایت کنند». با وجود این، چالش همچنان باقی است و طبیعتاً کنوانسیون حقوق کودک نمی‌توانسته است این تحول شگرف در عرصه اینترنت و مسائل مربوط به آن را پیش‌بینی کند.

در این راستا باید میان حق والدین بر تربیت کودک و حق کودک بر حریم خصوصی تعادل برقرار شود. از ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک می‌توان دریافت که برای ایجاد تعادل میان این ۲ حق باید موارد زیر رعایت شود: ۱- قانونی بودن، ۲- خودسرانه نبودن دخالت؛ به این معنا که مداخله ممکن است ضرورت نداشته اما قانونی باشد یا با اهداف کنوانسیون و منافع کودک مغایرت داشته باشد. چنان‌که می‌بینیم، این ضابطه بسیار کلی و مستلزم بررسی مورد به مورد است و نمی‌تواند به ما پاسخی قطعی و کامل برای حل این چالش ارائه کند.

از سوی دیگر، مقررات داخلی و بین‌المللی فاقد شفافیت در این زمینه هستند و این مسئله تا اندازه‌ای به این علت است که جامعه عموماً این فرض را پذیرفته است که والدین همواره به سود کودکان خود عمل می‌کنند. البته آرایه‌ای از محاکم دادگاه‌های داخلی برخی از کشورها صادر شده است که به طور ضمنی به موضوع پرداخته اما موجب رفع کامل این دشواری نشده است. بنابراین، مقررات و عموماً حقوق در این زمینه دچار ابهاماتی است. فضای مجازی چالش‌های جدیدی برای سلامت و امنیت کودکان ایجاد کرده است که بسیاری از والدین به سبب فقدان تجربه، آموزش و شناخت نسبت به این حیطه از این خطرات آگاه نیستند. به همین دلیل، پیش‌بینی چهار چوبی حقوقی که حافظ حریم خصوصی کودکان باشد ضروری به نظر می‌رسد.

خردسالان و کودکان اجازه دادرزایت خود را در این باره اعلام کنند؛ زیرا بر اساس مطالعات انجام شده، آن‌ها تا ۴ سالگی به شناختی از خود دست یافته‌اند که قادر به ابراز رضایت باشند. برخلاف نظریه اول، والدین حق ندارند که هر طور مایل باشند با کودکان خود رفتار کنند. این نظریه به منافع کودک ارزش می‌نهد و برای کودک حقوق مستقلی در برابر دولت و همچنین خانواده قائل است. در این دیدگاه، اذعان به قابلیت کودک در اعلام رضایت منافی پذیرش اعلام رضایت کودکان از جانب والدین نیست.

رویکرد حقوق بشری ترکیبی از این ۲ نظریه است؛ در عین این که حقوق والدین در تربیت کودکان را به رسمیت می‌شناسد، کودکان را واجد استقلال فردی و حقوق می‌داند. والدین باید حافظ حقوق کودک باشند تا اینکه کودک به سطحی از رشد فکری برسد که بتواند به طور مستقل تصمیم بگیرد. تا آن زمان، والدین موظف‌اند در راستای منافع کودک اقدام و از گرفتن تصمیم‌هایی که بعداً خود او می‌تواند و باید در قبال آن‌ها رضایت داشته باشد خودداری کنند.

حال به پرسش اصلی درباره جواز انتشار تصاویر کودکان در فضای مجازی و امکان تضاد آن با حق کودک بر حریم خصوصی پرداخته می‌شود.

در اینجا ظاهراً با نوعی عدم تعادل میان حق کودک بر داشتن حریم خصوصی و حق والدین بر تربیت و سرپرستی امور کودک مواجهیم؛ حق نخست‌ایجاب می‌کند که والدین بدون اجازه کودک تصاویر یا فیلم‌های او را در فضای مجازی هم‌رسانی نکنند و اقتضای حق دوم این است که والدین در انتشار تصاویر فرزند خردسال خود به دلیل فقدان توانایی ابزار رضایت او، آزادی و اختیار داشته باشند. براساس همین رویکرد حقوق بشری، ماده ۱۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق کودکان مصوب سال ۱۹۸۹ مشخصاً به حریم خصوصی کودک اشاره و بیان کرده است: «۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ‌کدام نباید به طور خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا به آبرو و حیثیت او حمله کرد. ۲- کودک در برابر این‌گونه

سرورهای شبکه‌های اجتماعی نگهداری می‌شود و امکان حذف آن‌ها به آسانی وجود ندارد، شاید حفظ این تصاویر و امکان دسترسی دیگران به آن‌ها برای این کودکان هنگام بالغ شدن خوشایند نباشد. ممکن است کودکان احساس کنند که بر بدن خود مالکیت ندارند. افزون بر این، کودکان خردسال این امکان را ندارند که با والدین خود درباره انتشار این تصاویر مخالفت کنند. دیگران هم ممکن است از این تصاویر برای تمسخر یا حتی تحت فشار قرار دادن کودکان در سنین بزرگ‌سالی هنگام تصدی مناصب عمومی یا حساس استفاده کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا انتشار تصاویر کودکان در فضای مجازی با حمایت از حریم خصوصی آن‌ها مطابق موازین حقوق بشری در تضاد نیست؟

در وهله اول باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اصولاً کودکان امکان اعلام رضایت از نمایش حریم خصوصی خود دارند یا خیر. به طور کلی، حریم خصوصی یا شخصی، قلمرویی از زندگی شخص است که براساس عرف و قانون انتظار می‌رود دیگران بدون رضایت او به آن وارد نشوند و بر آن کنترل نداشته باشند. تصویر یک فرد یکی از خصیصه‌های شخصیت اوست و ویژگی‌های منحصر به فرد او را نشان می‌دهد. تصاویر فرد او را از دیگران متمایز می‌سازد و هویت او را شکل می‌دهد. بنابراین، حق فرد بر حمایت از تصویرش از عناصر اصلی رشد شخصی به شمار می‌آید و حق فرد بر نظارت در استفاده از تصویر خود از جمله ممانعت از انتشار آن را شامل می‌شود.

در این راستا، پیش از هر چیز باید به ۲ نظریه عمده درباره حقوق کودکان نسبت به والدین و حقوق و تکالیف والدین نسبت به کودکان بپردازیم. در نظریه اول که قدمت بیشتری دارد، والدین بر کودکان مالکیت دارند و آن‌ها می‌توانند به دلخواه درباره زندگی و نحوه رفتار کودکان خود به علت فقدان توانایی آن‌ها در اعلام رضایت تصمیم‌گیری کنند. در نظریه دوم، بر رشد فردی و استقلال کودک تأکید می‌شود و کودکان به درکی از خود رسیده‌اند که ابراز رضایت کنند. طرفداران این نظریه با استناد به دیدگاه‌های کارشناسان بر این باورند که باید به



ناصر نداف
کارشناسی ارشد
حقوق بین‌الملل

شاید شما هم این روزها با تصاویر و ویدئوهای جذاب نوزادان و کودکان نوپا در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده باشید. سال ۲۰۱۰ تحقیقاتی در آمریکا انجام گرفت که براساس آن، ۸۰ درصد نوزادان این کشور به واسطه والدین خود حضور مجازی دارند. این پدیده به oversharenting یا sharenting معروف است که ترکیبی از parenting و share است.

بسیاری از والدین با هم‌رسانی تصاویر فرزندان خردسال خود در صفحات شبکه‌های اجتماعی، می‌کوشند برخی از لحظات جذاب و دوست‌داشتنی مانند لحظه تولد یا خنده و بازی آن‌ها را جاودانه سازند و دیگران را نیز در لذت تماشای این تصاویر همراه کنند. برخی والدین نیز با قرار دادن کودکان خود در مقابل دوربین شرکت‌های تجاری برای گرفتن تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی یا درج عکس آن‌ها در آتلیه و حتی استفاده از آن‌ها در صنعت مدلیتینگ، از این راه درآمد کسب می‌کنند.

خطری که کودکان را دنبال می‌کند، وقوع «آدم‌ربایی دیجیتال» است که شکل نوینی از دزدی هویت است. در این روش، یک نفر تصاویر کودک را از فضای مجازی برمی‌دارد تا با استفاده از نام‌ها و هویت‌های جدید ادعا کند که پدر یا مادر آن کودک است. از طرفی، تصاویر و ویدئوهای کودکان می‌تواند مورد سوءاستفاده سایت‌های بزهکار مانند سایت‌های پورنوگرافیک نیز قرار گیرد. والدین بدین ترتیب می‌توانند اطلاعاتی را از کودکان خود در فضای مجازی به اشتراک بگذارند که حتی می‌تواند آینده آن‌ها را به خطر بیندازد.

بدیهی است که کودکان کم‌سن و سال قادر به اعلام رضایت برای انتشار تصاویر خود نیستند و از آنجا که این تصاویر در فضای مجازی باقی می‌ماند و در آرشیو اینترنتی وبسایت‌ها و در

وقوع
«آدم‌ربایی دیجیتال»
شکل نوینی از دزدی
هویت است



چرا شهرها باید دوستدار کودکان باشند؟

متخصص، نظرات خود را به طور مستقل بیان کنند.

همراهی مؤثر مدیریت شهری

اگر قرار باشد به معنای واقعی از حضور، مشارکت و نظرات فعال کودکان در شهر استفاده کنیم، خواه ناخواه مدیریت شهری و شهرداری‌ها (در شرایط گوناگون) باید پای کار بیایند و چنین دغدغه‌ای از سوی ایشان وجود داشته باشد. طراحی، برنامه‌ریزی، تشکیل فرایند و حفظ انسجام آن در مدیریت شهری برای مشارکت حداکثری کودکان در امور شهری، لازمه دستیابی به این موضوع خواهد بود. البته نباید از این مسئله غافل ماند که برای دستیابی مناسب و انسجام در فرایند مشارکتی-عملیاتی، نیازمند بخش خاصی در مدیریت شهری هستیم تا بتواند اقدامات مشارکتی با کودکان را سامان دهد. به عنوان مثال، تشکیل دبیرخانه‌ای در شهرداری مشهد با همین عنوان (همان‌گونه که در طرح یادشده نیز آمده است) موجب آن خواهد بود که نه تنها پیگیری دیگر امور مربوطه باشد، بلکه فرایند مشارکت کودکان را نیز مشخص و اجرایی کند.

در پایان با تاکید بر آنکه ایجاد امکان مشارکت کودکان در شهرها، توجه به نیازهای جسمی و روحی کودکان و استفاده از نظرات آنان در موضوعات مختلف و همچنین عمل و اجرا با فرایند مشارکتی در نهایت موجب ایجاد شهر دوستدار کودک خواهد شد و چنین شهری در آینده بزرگسالانی تحویل جامعه خواهد داد که به شهر و محیط اطرافشان حس تعلق دارند، با تصمیم‌گیری‌های صحیح می‌توانند اطراف خود را کنترل کنند، با شناخت نحوه انجام کار گروهی پاسخ‌گوی جامعه خود باشند، درک درستی از اجتماع خود داشته باشند، به حقوق و نیازهای گوناگون کودکان آشنا باشند و بسیاری از موارد دیگر که همگی آن‌ها در نتیجه مشارکت و کسب مهارت‌های لازم در دوران کودکی بوده است.

به شهر دوستدار کودک هموار می‌سازد. اما پرسش اینجاست که شهرها چگونه دوستدار کودکان می‌شوند. به بیان دیگر، وظیفه اصلی مدیریت شهری برای دستیابی به چنین شهری چیست؟ پاسخ به این سؤال بسیار مفصل است. در ادامه تنها به یک مورد (تقویت مشارکت کودکان در شهرها) پرداخته می‌شود.

این نکته نیز شایان ذکر است که در مصوبه سال گذشته شورای شهر مشهد، با عنوان «شهر دوستدار کودک» به نقش فعال کودکان در شهر اشاره شده است که این امر حاکی از اهمیت موضوع است. تقویت حضور و مشارکت کودکان در شهرها جز با دخیل کردن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و عمل و اجرا با فرایند مشارکتی، ممکن نخواهد بود، زیرا اگر بعد از این مرحله، کودکان وارد محیط شوند، عملاً آنچه بزرگسالان خود خواسته‌اند، به ایشان تحمیل می‌شود. حال برای آنکه بتوانیم از موضوعات نظری در این خصوص فاصله بگیریم و در فرایند اجرایی مدیریت شهرها از حضور فعال کودکان و نظرات آن‌ها بهره ببریم، نیازمند مقدماتی خواهیم بود که به ۲ مورد آن اشاره می‌شود.

آموزش و آگاهی کودکان

اولین قدم در راه دستیابی به مشارکت کودکان در شهر، آموزش و آگاهی آن‌هاست و همان‌گونه که در طرح شورای شهر مشهد نیز آمده است، کودک ابتدا باید حقوق، نیازها و مشکلات اطراف خود را بشناسد تا پس از آن، آگاهانه وارد فرایند مشارکت فعال شود. استفاده از ظرفیت کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی در این بخش از سوی مدیریت شهری، حائز اهمیت است؛ بدین گونه که کودکان با قرار گرفتن در این فرایند آموزشی، ابتدا با خواسته‌های خود آشنا می‌شوند. سپس با شناخت امکانات، کمبودها و مشکلات موجود و با تبادل نظر میان هم‌سالان و گروهی از بزرگسالان



سیدمحمد توفسی
وکیل پایه یک دادگستری

از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه کودک، ارتباط عمیق و مستقیمی میان محیط و تربیت و رشد کودکان وجود دارد. اریک فروم معتقد است: «ترکیب و تجربه‌های احتمالی‌ای که کودکان از محیط دریافت می‌کنند، ماهیت شخصیت بزرگسالی آن‌ها را تعیین می‌کند.» به عبارت دیگر، کودکان از محیط اطراف و پیرامون خود می‌آموزند. لذا این محیط‌ها نقشی تعیین‌کننده در رشد و پرورش کودکان دارند.

با تغییر شیوه زندگی در جوامع امروزی، دیگر پیرامون کودکان را صرفاً محیط‌های خانه و مدرسه تشکیل نمی‌دهد، بلکه شهرها، به عنوان محیط عظیمی که همگان به‌ویژه کودکان با آن سروکار دارند، نقش بی‌بدیلی در رشد و پیشرفت کودکان ایفا می‌کنند. اما نکته قابل توجه اینجاست که در شرایط حاضر، پاسخ‌گویی مناسبی به نیازهای جسمی و روحی کودکان و نقش آن‌ها به‌ویژه در محیط شهرها داده نشده است. این در حالی است که اگر حقوق، نیازها و علایق کودکان نادیده گرفته شود، نسل آینده با معضلاتی بیش از مشکلات بزرگسال امروزی، مواجه خواهند شد. به همین دلیل، دکتر معینی در کتاب «شهر همگان» به‌درستی نگاشته است: شهری که به کودکان خود توجه نکند به نسل گذشته، موجود و آینده خود نیز توجه نکرده است.

مطلب حاضر «چرا شهرها باید دوستدار کودکان باشند؟» نامیده شده است. دلیل آن این است که دستیابی به شهری که حقوق و نیازهای کودکان را به رسمیت بشناسد و بر اساس آن نیز عمل کند، راه را برای دستیابی

نکته‌ای که در پایان باید بر آن تأکید کرد این است که نباید صرفاً به وضع مقررات در این زمینه اکتفا کرد. تحولات حقوقی بسیار کند هستند و تأثیرگذاری آن‌ها بر رفتار جامعه نیازمند گذشت زمان و پیش‌بینی سازوکارهای لازم است. به همین دلیل، آموزش والدین نقشی بسیار تعیین‌کننده در حفاظت از حریم خصوصی کودکان دارد. در این راستا، راهکارهایی برای بهبود حمایت‌ها از حریم خصوصی کودکان پیشنهاد شده است که می‌تواند توجه والدین، معلمان، سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و به‌ویژه حقوق‌دانان و قانون‌گذاران را به خود جلب کند:

۱- والدین باید از تنظیمات مربوط به حریم خصوصی شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌هایی که در آن‌ها تصاویر و ویدئوهای کودکان خود را در آن‌ها هم‌رسانی می‌کنند آگاه باشند. والدین همواره با خطرات نقض مقررات امنیتی وبسایت‌ها و احتمال تغییر یا نقض این مقررات از سوی شبکه‌های مجازی بدون رضایت کاربر آشنا باشند تا بدین ترتیب، مخاطبان پست‌های خود را با دقت بیشتری انتخاب کنند.

۲- سازوکاری در فضای مجازی پیش‌بینی شود که والدین را از ظاهر شدن نام کودکانشان روی نتایج موتورهای جست‌وجو آگاه کند.

۳- اگر قصد دارند تصاویر کودکان خود را هم‌رسانی کنند، نام آن‌ها یا مکان و زمان گرفتن فیلم یا عکس را ذکر نکنند تا زمینه سوءاستفاده دیگران فراهم نشود. برخی از وبسایت‌ها به والدین کمک می‌کنند مطالب یا تصاویر مربوط به کودکان را به گونه‌ای منتشر کنند تا امنیت بیشتری در هم‌رسانی آن‌ها وجود داشته باشد.

۴- تا جایی که امکان دارد، برای انتشار تصاویر کودکان خود از آن‌ها رضایت بگیرند. والدینی که مرتباً مطالبی را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند، می‌توانند با کودکان خود درباره اینترنت صحبت کنند و از آن‌ها بپرسند که آیا مایل‌اند تصاویر آن‌ها را با دیگران به اشتراک بگذارند. البته میزان اعتبار رضایت کودک با توجه به سن او و محتوای موضوعی که قرار است به اشتراک گذاشته شود تفاوت می‌کند. والدین باید به یاد داشته باشند که حتی پرسیدن نظر کودکان خردسال برای آن‌ها سودمند است.

۵- والدین باید از هم‌رسانی تصاویر کودکان خود در حالت برهنه یا نیمه‌برهنه خودداری کنند تا مورد سوءاستفاده وبسایت‌های بزهکار قرار نگیرند. این تصاویر به‌آسانی می‌تواند زمینه کودک‌آزاری را فراهم کند. به عنوان مثال، کمیسیون سلامت استرالیا گزارش داده است که نیمی از تمامی تصاویری که در سایت‌های کودک‌آزاری یافت شده، در واقع عکس‌هایی بوده است که والدین با حسن نیت در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌های خانوادگی منتشر کرده‌اند. ۶- والدین باید اثر انتشار این تصاویر بر درک کودکان از خود و امنیت خود در زمان حال و آینده را مدنظر قرار دهند. حتی اگر والدین تعداد مخاطبان پست‌های خود را محدود کنند، دسترسی کامل اینترنت بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌کنند. حتی پست‌های حذف‌شده نیز ممکن است به دست اشخاص ثالث ذخیره شده باشند. افزون بر این، احتمال دارد که مخاطبان این پست‌ها این اطلاعات را با اشخاص دیگری به اشتراک بگذارند.

والدین مسئولیت اولیه و اصلی را در رعایت حریم خصوصی کودکان خود بر عهده دارند. در نتیجه، اگر چه مقررات داخلی کشورها و قواعد بین‌المللی راهکاری را برای حل چالش انتشار مطالب و تصاویر مربوط به کودکان از سوی والدین ارائه نمی‌دهند، با بررسی موازین و ضوابط حقوق بشری، می‌توان گفت که خود کودک هنگام رسیدن به قابلیت تصمیم‌گیری، قادر خواهد بود که تصاویر به دنیا آمدن یا بازی کردن خود را به اشتراک بگذارد و بهتر است والدین تا آن زمان از انتشار این دست از تصاویر یا مطالب خودداری کنند. البته مقصود این نیست که والدین حق انتشار هر گونه مطالب یا تصاویر از کودکان خود را ندارند، بلکه باید در این راه احتیاط فراوان به خرج دهند.



دغدغه کودکان از مشهد تا زنو

گزارشی از نحوه پیوستن به شهرهای دوستدار کودک یونیسف



تکنمته جاوید
خبرنگار

بالغ بر ۱۸ سال است که تحقیق در مورد شهرهای دوستدار کودک مورد توجه متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. تلاش مدیران شهری از تصویب این طرح، دیده شدن کودکان در طرح‌های توسعه شهر و ارائه فرصت به آنان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری است. بر این اساس، در مشهد نیز این مقوله مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفت و طرح شهر دوستدار کودک به تصویب شورای اسلامی این کلان‌شهر رسید. شورای شهر با تصویب شهر دوستدار کودک گام مؤثری در راستای سهیم شدن کودکان از شهر برداشت و حال، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی (اداره شهر خلاق) فرایند اجرایی آن را در بخشی از شهر آغاز کرده است.

وضعیت شهر دوستدار کودک در شهرهای ایران

مدیرکل پژوهش، آمار و مطالعات راهبردی شهرداری مشهد، در این باره با اشاره به بازدید نماینده یونیسف از مشهد در سال گذشته اظهار کرد: دی‌ماه سال گذشته بود که نماینده یونیسف به مشهد آمد و از طرح‌ها و ایده‌های ارائه‌شده در راستای طرح شهر دوستدار کودک استقبال کرد. نماینده یونیسف با بازدید از خانه کودک و شاهنامه، کارآند و کتابخانه تخصصی کودک بچه‌های آسمان به توانایی بالقوه مشهد برای شهر دوستدار کودک شدن اشاره کرد. محمد مهدی کریمی افزود: تاکنون شهرهای متعددی در ایران قصد پیوستن به شهر دوستدار کودک یونیسف را داشته‌اند اما هنوز هیچ شهری از کشور موفق به کسب برند شهر دوستدار کودک نشده است. مدت‌هاست شهر زرن در استان کرمان به دنبال اجرایی شدن شهر دوستدار کودک است. علت انتخاب زرن به عنوان شهر دوستدار کودک به دلیل محرومیت و جمعیت اندک توجه‌پذیر بود. پیش از این اصفهان هم اقدام کرده بود که هنوز موفق نشده است. اکنون شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز، رشت، یزد، زرن، سمنان و تبریز گزینه‌های انتخاب شهر دوستدار کودک هستند.

وی همچنین در مورد سیر فعالیت شهر دوستدار کودک در مشهد گفت: روند اجرایی طرح از سفر دکتر ویل پارس، نماینده وقت یونیسف در ایران، کلید خورد. نقش وزارت کشور در این پروژه بسیار مؤثر است. دکتر سید محسن

حسینی پویا، رئیس کمیسیون حقوقی شورای شهر، عضو مؤثر (فوکال پوینت) است. با پژوهش‌هایی که صورت گرفت و با توجه به تصمیم مدیریتی، منطقه ۵ مشهد به صورت پایلوت انتخاب شد.

کریمی اضافه کرد: ظرفیت‌های این منطقه از جمله تعداد مدارس، فضای سبز، خدمات بهداشتی و پرآکندگی آن‌ها و همچنین رده سنی کودکان منطقه به دقت استخراج شده است. شورای شهر نیز مصوبه شهر دوستدار کودک را در دی‌ماه ۱۳۹۷ به تصویب رسانده است. علاوه بر این، در راستای کشف نیازهای بومی، ۵۳ مصاحبه عمیق از کودکان منطقه دریافت شد. مخاطبان مصاحبه ۳ دسته بودند: کودکان، والدین کودکان و ابسته (صفر تا ۷ سال) و مربیان و معلمان مدارس. بر همین اساس، نیازهای بومی کودکان منطقه شناسایی شد. هر چند نتایج ناراحت‌کننده بود اما باعث شد از انتخاب این منطقه به عنوان پایلوت خرسند شویم. اصلی‌ترین نیاز مطرح‌شده امنیت است. البته همین نیازها از نظر پرآکندگی متفاوت است که در پروژه شیوع‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تاکنون بخش زیادی از فرایند پیش از اعلام نامزدی (کاندیداتوری) صورت گرفته است. اکنون در مرحله برنامه‌ریزی قرار داریم و باید به طراحی نقشه بپردازیم. امیدوارم به‌زودی این منطقه به عنوان نامزد CFCI برگزیده شود. مدیرکل پژوهش، آمار و مطالعات راهبردی شهرداری مشهد همچنین با انتقاد از توجه صرف

برخی از مسئولان به مسئله شهرسازی و فضای شهری افزود: در مورد وضعیت شهرهای ایران برای اینکه بتوانیم شهر دوستدار کودک باشیم باید فرایندی طولانی را به نتیجه برسانیم. این پروژه در ایران با مشارکت و مدیریت وزارت کشور و یونیسف پیش می‌رود. در این فرایند، نیازمند یک سری اقدامات حقوقی، اجرایی، فرهنگی، اجتماعی و شهرسازی هستیم. مشهد اکنون به لحاظ ظرفیتی که دارد، در مقایسه با شهرهای دیگر، پیشگام است اما مشکلی که با آن روبه‌روست مسئله حاشیه‌نشینی می‌باشد.

نحوه پیوستن به شهرهای دوستدار کودک

فاطمه باقری، فوکال پوینت یونیسف و وزارت کشور در پروژه شهر دوستدار کودک در مشهد، نیز با اشاره به آغاز فعالیت شهرهای دوستدار کودک در دنیا گفت: تحقیق در حوزه شهرهای دوستدار کودک، به‌ویژه در اروپا، از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت و به طور رسمی از سال ۱۹۹۴ کلید خورد. اکنون بیشترین شهرهای دوستدار کودک در اروپا قرار دارند که تعداد آن‌ها قریب به ۳۰۰۰ شهر است.

فاطمه باقری در مورد فرایند کسب برند شهر دوستدار کودک افزود: برای پیوستن به شهرهای دوستدار کودک، فرایندی دست‌کم دوساله و حداکثر پنج‌ساله برای شهرهای دارای جمعیت کمتر از یک میلیون نفر نیاز است. این پروژه نیازمند بسترسازی، برنامه‌ریزی و

انجام پژوهش‌های بنیادین است تا نخست، شهر بهتر شناسایی شود و سپس، براساس شناخت صورت‌گرفته برنامه‌ریزی صورت گیرد. با احراز این شرایط، شهر در مرحله اول، نامزدی CFCI را دریافت می‌کند. سپس یونیسف به آن شهر مهلتی ۲ تا ۵ ساله می‌دهد تا برنامه را اجرایی کند، و پس از اجرای دقیق نقشه، موفق به کسب برند شهر دوستدار کودک می‌شود.

باقری ضمن اشاره به چهار چوب یونیسف اظهار کرد: پیوستن به شهرهای دوستدار کودک مستلزم طی فرایند چندمرحله‌ای است. مرحله نخست شناسایی شهر است. موضوع عدالت و مشارکت شهری در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا شهر باید کاملاً دقیق، جزئی و صادقانه تفسیر شود؛ زیرا پیش‌فرض یونیسف رعایت اصل حسن نیت است مگر اینکه تخلفی احراز شود. در این صورت، ممکن است از تمام برندهای کسب‌شده حذف شویم. مرحله بعدی وجود مصوبه‌ای است تا پشتیبانی قانونی صورت گیرد. سپس باید پژوهشی بومی انجام شود. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، اشخاص صفر تا ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند. بعد از کشف نیازهای بومی، باید برنامه‌ریزی کامل شهر صورت گیرد و سپس نقشه آن تأیید شود. در نهایت، شهر نامزد شهر دوستدار کودک می‌شود. ۴ مرحله بعدی عملیاتی‌سازی برنامه و پیوستن به شبکه است.

به گفته وی، مؤلفه‌های شهر دوستدار کودک به ۵ بخش تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: مؤلفه اجتماعی شامل عناصری از قبیل ایمنی و امنیت، برابری افراد در دسترسی به خدمات و...، مؤلفه زیست‌محیطی و بهداشتی شامل عناصری مانند دسترسی به فضای سبز، محیط سالم و پاک و...، مؤلفه روان‌شناختی شامل احساس مثبت از خویش، احساس احترام و ارزش داشتن کودک و دیگر موارد، مؤلفه فرهنگی شامل عناصر دسترسی به کتابخانه و کیفیت کتاب‌ها، وجود فرهنگ‌سراها و... و مؤلفه‌های کالبدی شامل عناصری چون کیفیت مسکن و سکونت، کیفیت خیابان‌ها، دسترسی به امکانات ویژه معلولان و....

به گفته او، یکی از دلایلی که هنوز در ایران شهر دوستدار کودک وجود ندارد این است که نخست، تاکنون به پروژه‌های این چنینی توجه نشده است و دوم، طبق اعلام یونیسف، شهرهایی که جمعیت میلیونی دارند در یک مرتبه نمی‌توانند موفق به دریافت برند شوند. لذا وزارت کشور و یونیسف ایران ابتکاری ایجاد کرده‌اند که در ایران منطقه و محله دوستدار کودک مطرح شود. هر چند این رویه فرایند را طولانی‌تر می‌کند اما شفاف‌تر است. به عبارت دیگر، در یک شهر، ابتدا فعالیت روی یک منطقه از شهر به صورت پایلوت متمرکز می‌شود و همه فرایند روی همان منطقه پیاده‌سازی و در نهایت، نامزدی برای همان منطقه دریافت می‌شود.

وی با اشاره به لزوم مدنظر قرار دادن فاصله شهرهای ایران با کشورهای پیشرفته بیان کرد: برای مثال، در پژوهش‌های صورت‌گرفته، دغدغه کودکان در زنو نداشتن تلفن امنیتی بود. به همین منظور، شماره تلفنی برای شکایت کودکان در صورت مشاهده ناعاداتی حتی در خانواده معرفی شد، حال آنکه این فرایند در شهرهای ایران بسیار متفاوت است. علاوه بر این مسائل، اگر شهرها جمعیت بیشتری داشته باشند، باید به صورت جزئی‌تر بررسی شوند که زمان بر است. /

«پیلوت»؛ داستان نزول انسانیت

نقد فیلم

فرناز محمدیان
کارشناسی ارشد حقوق
خصوصی

«پیلوت» ماجرای اختلاف زن و شوهری است که ۲ سال است که با یکدیگر زندگی نمی‌کنند و به تازگی فهیمه (بهدخت ولیان) از وحید (حمیدرضا آذرنگ) طلاق گرفته و با حکم دادگاه، فرزند ۲ ساله‌شان به فهیمه سپرده شده است. سهیل از بدو تولد با مشکل قلبی دست و پنجه نرم می‌کرده است. فهیمه برای درمان فرزندش اقدامات زیادی انجام داده که فایده نداشته است. طی آخرین اقدام صورت گرفته، سهیل با حکم دادگاه و بدون اطلاع پدرش تحت عمل جراحی قلب قرار می‌گیرد و فوت می‌کند. پس از اینکه وحید مطلع می‌شود فرزندش در بیمارستان است، به همراه برادرش (جواد عزتی) برای دیدن سهیل به بیمارستان واقع در تهران مراجعه می‌کند. سعید همان ابتدا متوجه می‌شود که برادرزاده‌اش فوت شده است اما ماجرا را از برادرش مخفی نگه می‌دارد. روز بعد، وحید ماجرا را می‌فهمد و با ورود همسر سابقش به بیمارستان او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد که چرا بدون اطلاع او و با نامه دادگاه دست به عمل فرزندشان زده است.

از این پس، دعوای پدر و مادر برای محل دفن کودک و ... آغاز می‌شود. کودک فوت شده است و تنها چیزی که اهمیت ندارد مرگ اوست. وحید می‌خواهد جنازه را تحویل بگیرد و در بسطام خاک کند. فهیمه نیز می‌خواهد فرزندش را در شهر خودش، گنبد، به خاک بسپارد. آنچه اهمیت یافته است دعوای زن و شوهری است که جسد فرزندشان را بهانه‌ای برای آزار، اذیت و باج‌گیری از یکدیگر قرار داده‌اند، بهانه‌هایی که از قانون نشئت گرفته است تا مادر از تنها حق باقی‌مانده از زندگی مشترکش بگذرد. در نهایت، نامه تحویل جسد امضا می‌شود و به دلیل عدم توافق پدر و مادر در تعیین مکان خاک‌سپاری، تهران به عنوان محل دفن انتخاب می‌شود. وحید جنازه فرزند را تحویل می‌گیرد و از در بیمارستان خارج می‌شود. با تحریک احساسات مادرانه فهیمه، از او باج می‌گیرد تا مهریه‌اش را ببخشد. فهیمه نیز برای تحویل گرفتن جنازه کودکش، از مهریه‌اش می‌گذرد.

نقدی کوتاه بر محتوای فیلم

قصه این فیلم بسیار ساده است اما تلاش کرده است در نهایت پیچیدگی، آن را به مخاطب القا کند. روایت داستان هیچ گره‌افکنی و گره‌گشایی‌ای ندارد. بعد از مرگ کودک، هیچ عنصری برای درگیر کردن بیننده در روایت پیش‌بینی نشده است.

شخصیت‌پردازی‌ها در این فیلم ضعیف است همانطور که

فریبا اشوئی، منتقد فیلم، گفته است «پیلوت» یک تراژدی شخصیت‌محور است و توصیفی ناقص از شخصیت‌ها صورت گرفته است. هویت و شناسنامه آنان از ابتدا معلوم نبوده است و لذا نتوانسته در ساماندهی درام موثر عمل کند. فیلم با بنزین زدن سعید شروع می‌شود و همان ابتدا درمی‌یابیم که این شخصیت حواسش به همه چیز هست. او کمربند خود را در باک فرو می‌برد تا نشان دهد بنزین هوا دارد و مأمور پمپ را مجبور می‌کند دوباره برایش بنزین بزند اما وحید می‌گوید شاید آمپر خراب بوده است و برای فهم واقعیت تلاشی نمی‌کند. سعید از خواهرش به بهانه ترخیص سهیل پول گرفته است اما حاضر نیست یک بطری آب معدنی برای فهیمه بخرد، و هنگام پرداخت هزینه‌های بیمارستان خود را به بهانه نداشتن پول کنار می‌کشد. اگر چه سعید

شخصیتی زیرک و دروغ‌گوست، وحید مردی ساده و نادان است که در بیشتر موارد قادر به کنترل خود نیست و برخورد فیزیکی می‌کند. حسن، پدر فهیمه، دائما منت کارهایی را که برای نوه‌اش کرده است بر سر وحید می‌گذارد. فهیمه نیز مادری فداکار اما زنی لج‌باز است. به جز شخصیت سعید و تا حدی وحید، دیگر شخصیت‌ها نقص دارند.

«پیلوت» در چند دقیقه نخست، با نمایش مرگ کودک، مخاطب را درگیر می‌کند. این مرگ آغاز ماجراهایی می‌شود و تمام فیلم حول همین محور دور می‌گردد. متأسفانه داستان «پیلوت» با دستمایه قرار دادن قانون و چرخاندن داستان حول این محور، دچار تکرار شده است، تکراری که در طول فیلم دائما مشاهده می‌شود و پایانی ندارد.

ابراهیمیان در فیلم «پیلوت» داستانش را حول محور قوانین جمهوری اسلامی ایران بسته است. فهیمه با نامه دادگاه اجازه‌نامه عمل کودک را امضا کرده است. این اتفاق در حالت عادی در قوانین کشور، مرسوم نیست زیرا مطابق قوانین، اصولا پدر می‌تواند اجازه عمل فرزند را صادر کند و مادر در این خصوص نقشی ندارد اما در «پیلوت» یک زن توانسته است بدون اجازه پدر فرزندش، اجازه عمل او را بدهد.

تغییر قانون چندین بار در فیلم دستمایه داستان و گفت‌وگوها می‌شود. برای مثال سعید، ابتدا نمی‌داند برادرزاده‌اش عمل شده است زیرا برادرش از عمل فرزندش خبر ندارد و این پرسش ایجاد می‌شود که مگر بدون اجازه پدر، فرزند عمل می‌شود. این اتفاق برای وحید زمانی موجه می‌شود که قانون در یک سری موارد خاص، مادر را نیز به عنوان یک شخص تصمیم‌گیرنده پذیرفته و به او اجازه داده است برای فرزندش تصمیم بگیرد. در ادامه ماجرا سعید از نگرانی بیمارستان می‌شنود که پدر همه‌کاره فرزند است و برای تحویل گرفتن جنازه کودک، نیازی به شناسنامه مادر نیست اما با گذشت مدت زمانی، وحید می‌فهمد که نمی‌تواند جنازه پسرش را بدون اطلاع مادر - که ابتدا او را بستری کرده است - تحویل بگیرد. او به خود به چشم یک مرد ایرانی نگاه می‌کند که همواره همه حقوق را تمام و کمال داشته است. به همین دلیل نمی‌خواهد اجازه دهد حق پدری‌اش زیر سؤال برود. وحید حتی با همه بی‌مسئولیتی‌هایی که داشته است (۲ سال تمام از کودکش خبر نگرفته و برای مخارج او هزینه‌ای نکرده است) در همه موارد خود را محق می‌داند.

در مجموع، «پیلوت» فیلمی است از روزگار فعلی ما. این فیلم قصه آدم‌هایی است که در جامعه به اضمحلال رسیده‌اند، آدم‌هایی که روابط، اخلاقیات و مناسبات اجتماعی و خانوادگی برایشان معنایی ندارد و هر کس به فکر منافع خودش است. هر چند فیلم خواسته است با پایانش از امید و آینده سخن بگوید، بیننده‌ای که یک فیلم‌کش‌دار و طولانی‌با سکانس‌های اضافه و شخصیت‌های زائد را تماشا کرده است، با این سکانس امیدوار و دل‌گرم نمی‌شود. مرگ نقطه‌ای برای پیوستن آدم‌ها به یکدیگر است.



تاملی در تصویب قانون اعطای تابعیت



رضا شیران خراسانی
عضو کمیسیون اجتماعی
مجلس شورای اسلامی

بدون شک با تصویب قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، این دوره از مجلس شورای اسلامی برای زنان ایرانی به یادماندنی خواهد بود؛ زیرا پس از سالیان متممادی، یکی از وجوه تمایز میان مردان و زنان ایرانی که وجود آن در دوران کنونی غیر ضرور و حتی در برخی موارد غیرموجه بود رفع شد.

به موجب حکم قانونی مصوب سالیان گذشته، تابعیت ایرانی تنها از طریق پدر قابل انتقال بود و مادر ایرانی امکان انتقال تابعیت خود را به فرزندان (جز در موارد بسیار خاص و استثنایی) نداشت. تغییرات ایجاد شده در جامعه سبب شد انتقال تابعیت از طریق مادر ایرانی به موضوعی مهم بدل شود و دغدغه بسیاری از زنان، مادران و کودکان امروز و دیروزی که فاقد تابعیت بودند برطرف شود. این مسئله به خودی خود تحولی بزرگ در نظام اعطای تابعیت ایران و دستاوردی شگرف برای زنان ایرانی بود. تصویب این لایحه از سوی نمایندگان مجلس سبب شد جمع کثیری از فرزندان زنانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند، از بلاتکلیفی در آیند و به عنوان شهروند ایران از حمایت‌های قانونی برخوردار شوند. این فرزندان به رغم تولد از مادر ایرانی و زندگی در ایران به دلیل تابعیت غیر ایرانی پدر، نتوانسته بودند شناسنامه ایرانی دریافت کنند. بیان گزارش از اقدامات انجام شده در این خصوص به مردم شریف حوزه انتخابیه‌ام، وظیفه‌ای است که نوشتار حاضر در مقام ایفای آن است.

از زمانی که به عنوان نماینده مردم حوزه انتخابیه مشهد و کلات انتخاب شدم، مطالبه‌ای از سوی مردم ذهنم را به خود مشغول کرد. دغدغه بسیاری از مادران سرزمین که با اتباع غیر ایرانی ازدواج کرده بودند، سرنوشت نامعلوم فرزندانشان بود که به رغم تولد و سکونت در ایران، ایرانی تلقی نمی‌شدند، فرزندان که دلیل نداشتن شناسنامه ایرانی، از بسیاری حقوق اساسی مانند حق تحصیل، امکان استخدام دولتی، دریافت گواهی نامه رانندگی و ... محروم بوده‌اند و یا به سختی توانسته‌اند از این حقوق بهره ببرند. دل‌نگرانی‌های برخی از این مادران و عواقب ناشی از بی‌تابعیتی یا نداشتن تابعیت ایرانی سبب شد حل این معضل را در دستور کار قرار دهیم. پس از مطالعات گسترده در سال ۱۳۹۵، طرحی را که با اخذ امضای تعداد بسیاری از نمایندگان مجلس تهیه شده بود، به جریان انداختم و طرح با قید یک فوریت در دستور کار قرار گرفت و در نهایت در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به تصویب رسید. هم‌زمان با اقدامات مذکور در مجلس، دولت نیز با درک اهمیت حل مشکلات مردم لایحه‌ای تهیه کرد که در دستور کار مجلس قرار گرفت. در ادامه مصوبه کمیسیون به صحن علنی رفت و با حمایت از جانب نمایندگان، به تصویب مجلس رسید. البته ایرادهایی از سوی شورای نگهبان طرح شد که همه موارد با برگزاری جلسات متعدد رفع شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسید و به قانون تبدیل شد. با اصلاح قانون اعطای تابعیت، ۵۰ هزار نفر در خراسان رضوی تابعیت ایرانی کسب خواهند کرد. این دستاورد را به مادران صبور و دختران سرزمین تبریک می‌گویم و برای آن‌ها آرزوی بهروزی دارم.

کوتاه از دادگستری



عکس ژوئینی است

اطلاعیه مهم دادگستری درباره شرکت پدیده

دادستان جدید مشهد منصوب شد

محمدحسین درودی به عنوان دادستان جدید مشهد منصوب شد. محمدحسین درودی پیش‌تر به عنوان معاون دادستانی و سرپرست دادسرای ناحیه ۹، معاون قضایی و جرائم خاص دادگستری استان و جانشین مسئول واحد نظارت و ارزشیابی قضات دادگستری استان فعالیت می‌کرد. پیش از این، غلامعلی صادقی دادستان مشهد و مرکز استان بود که اکنون به عنوان رئیس کل دادگستری خراسان رضوی منصوب شده است.

مصوبه حل مشکل ترافیک با دخالت سازمان نظام پزشکی ابطال شد

چندی پیش خلیل‌الله کاظمی، معاون عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری مشهد، اعلام کرد: یک لایحه به شورای اسلامی شهر مشهد دادیم مبنی بر اینکه اگر منزل مسکونی به مطب تبدیل شد، با دریافت مبلغی به عنوان جریمه از پزشکان، موضوع را مدیریت کنیم تا در زمان مراجعه برای پروانه، اطلاعات صحیح به شهرداری بدهند. بعد از تصویب این لایحه در شورای شهر مشهد، سازمان نظام پزشکی آن را رد دیوان عدالت اداری ابطال کرد و همچنان همان روال بیمار وجود دارد؛ یعنی پزشکان از شهرداری پروانه مسکونی می‌گیرند اما به مطب تبدیل می‌کنند. ما هم می‌دانیم اما به لحاظ قانونی نمی‌توانیم کاری بکنیم.

سومین نشست حقوق شهرنشینی و شهر پیاده‌مدار برگزار شد

سومین نشست حقوق شهرنشینی و شهر پیاده‌مدار با حضور سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه حمل‌ونقل غیرموتوری برگزار شد. در این نشست که با حضور برخی مسئولان و مدیران شهری برگزار شد، پیشنهادهای شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد شنیده شد. شهروندان در این جلسه به تغییر رویکرد مدیران شهری اشاره کردند: اصلاح الگوهای رفتاری تاکسی‌رانان و

اتوبوس‌رانان، توجه به کاربری زمین، افزایش قفل‌بندهای دوچرخه در شهر، افزایش کیفیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی و ... مدیران شهری نیز شهروندان را از ایجاد پویش «خط عابر خط زندگی»، تهیه و تدوین طرح «خیابان کامل» و تهیه طرح «شهر همگان» مطلع کردند و گزارشی از وضعیت کارهای انجام شده ارائه دادند.

اطلاعیه مهم دادگستری خراسان رضوی درباره شرکت پدیده

دادگستری خراسان رضوی با هدف تنویر افکار عمومی و اطلاع‌رسانی از روند اقدامات مثبت در روند اجرای حکم پرونده شرکت پدیده اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این اطلاعیه مختصراً آمده است: «پس از صدور رأی قطعی دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور شعبه مستقر در مشهد مقدس در خصوص پرونده شرکت پدیده شاندیز، بلافاصله این پرونده با ۱۲۰ جلد به شعبه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مقدس ارسال شد. اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد اقدامات اجرایی را در راستای حکم صادره انجام داده است که به شرح ذیل است: ۱- تعهدنامه‌داران شرکت به وضعیت سهام‌داری تبدیل شده‌اند که این مهم پس از بررسی ابعاد فنی موضوع، محقق شده و اکنون از طریق سامانه و سیستم قابل رؤیت است. متعاقب صدور رأی دادگاه در این خصوص، تعهدنامه‌هایی که افراد سابقاً دریافت کرده بودند ابطال شده و از درجه اعتبار ساقط است. لذا خرید و فروش آن‌ها فاقد وجاهت است و بدین وسیله به شهروندان محترم هشدار لازم داده می‌شود. ۲- تبدیل وضعیت طلبکاران شرکت به سهام‌داران شرکت در حکم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور شعبه مستقر در مشهد مقدس آمده است. در راستای حفظ منافع مقدس آمده است. در راستای حفظ منافع شرکت پدیده به عنوان پروژه‌ای ملی، صرف نظر از اینکه ماهیت طلب و منشأ طلبکاران

شرکت پدیده چه بوده است، دادگاه ضمن هویت‌بخشی به سهام شرکت پدیده، طلب آن‌ها را با سهام تهاثر کرده است. در واقع، طلبی که سود روزشمار آن به طور غیرمستقیم به سهام‌داران تحمیل می‌شد به نحو دیگری محاسبه شده است. ۳- پس از تبدیل وضعیت طلبکاران و تعهدنامه‌داران به سهام‌داری، اداره شرکت به صورت کلی در اختیار سهام‌داران است و هر یک از سهام‌داران که سهم بیشتری داشته باشد در اداره شرکت نیز نقش مهم‌تر و برجسته‌تری خواهد داشت و محوریت اداره شرکت با سهام‌داری است که بیشترین سهم را دارد.

۴- در خصوص ورود شرکت پدیده به بورس نیز پس از صدور حکم دادگاه، پس از اتمام فرایند محاسبه سهام سهام‌داران، طلبکاران و تعهدنامه‌داران و ثبات وضعیت، اقدام اجرایی در این خصوص صورت خواهد پذیرفت.

۵- نحوه تخصیص سهام جبرانی به سهام‌داران و مقدار آن محل بحث است که به‌زودی تعیین تکلیف خواهد شد.

۶- در دیگر قسمت‌های رأی دادگاه که به موجب آن برخی از دلالتان به ۲ سال حبس و رد مال محکوم شده بودند نیز پس از شروع فرایند اجرای حکم، تاکنون همه دلالتان به‌جز یک نفر تسویه حساب کرده‌اند و حدود ۲۰۰ میلیارد تومان به شرکت پدیده مسترد شده است که در قالب سهام، واحد تجاری و سایر اموالی است که پس از کارشناسی به پدیده منتقل شده است.

۷- از سهام‌داران انتظار می‌رود به حفظ آرامش موجود کمک کنند تا زمینه حضور سرمایه‌گذار فراهم باشد زیرا مطمئناً جذب سرمایه‌گذار نیازمند فضای آرامش است.

۸- در خصوص قسمت مفتوح پرونده (رسیدگی به اتهام دیگر دلالتان و مسئولان دخیل در موضوع) نیز اقدامات لازم برای صورت گرفته است. دستورهای لازم برای مستندسازی اقدامات مسئولان دخیل در موضوع به ضابطان صادر و تحقیقات اولیه شروع شده است.

هدف از برگزاری این نشست را تلاش برای تحقق و توسعه عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری و تغییر نگاه سرکوبگری در شهر و جامعه مطرح بود. دکتر شیخ‌الاسلامی در ابتدای نشست با اشاره به نقش شهرداری در زندگی شهروندان گفت: شهرداری وظایف سنگینی در قبال شهروندان دارد و حتی پس از مرگشان با آنان سروکار دارد. منظور از شهر ترمیمی، استفاده از ظرفیت‌های شهر با بهره‌گیری از کمک شهروندان است. در چنین شهری، مدیریت شهری بالاتر از شهروندان قرار ندارد و رابطه تساوی حاکم است. علاوه بر این، بندهایی از منشور حقوق شهروندی مدیریت شهری را به طور ضمنی مکلف کرده است نگاه عدالت ترمیمی را توسعه دهد.

دکتر فرجیها در ادامه این نشست اظهار کرد: هدف شهر ترمیمی، توسعه ارزش‌های ترمیمی در محیط‌هایی است که امکان بروز اختلاف، تخلف و جرم وجود داشته باشد. وی با اشاره به نقش مشارکت شهروندان در عدالت ترمیمی گفت: عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن بزهدار، بزه‌دیده و همه آنان که از وقوع جرم یا تخلف تأثیر پذیرفته‌اند در صدد حل مشکلات ناشی از جرم برمی‌آیند. عدالت ترمیمی با این رویکرد ایجاد شد که همیشه پاسخ‌های کیفری و رسمی مناسب نیستند و در برخی موارد نه تنها عدالتی که مردم به آن معتقدند، محقق نمی‌شود بلکه سبب افزایش مشکلات می‌شود. برای مثال، پاسخ کیفری و رسمی به مؤسسات اعتباری متخلف، بازداشت مقامات و... بود که با این اقدامات، مردم به حقوقشان دست نیافتند. لذا مشارکت کسانی که در مورد آنان تصمیم‌گیری می‌شود از عناصر مهم عدالت ترمیمی محسوب می‌شود.

دکتر فرجیها با معرفی مسئولیت‌پذیری به عنوان عنصر دوم تحقق عدالت ترمیمی افزود: فرایند عدالت ترمیمی در صدد است اشخاصی که منجر به آثار سوء شده‌اند مسئولیت اشتباه خود را بپذیرند و تمام توان خود را برای جبران خسارات وارده به کار بگیرند. در این راستا تفاوت فرهنگ کشورهای غربی با ایران قابل تأمل است؛ کشورهای اروپایی تلاش می‌کنند فرزندان خود را مسئولیت‌پذیر کنند در حالی که در ایران معمولاً خانواده‌ها عواقب اقدامات اشتباه فرزندان را بر عهده می‌گیرند. ترویج مسئولیت‌پذیری در اداره امور شهری بسیار مهم و اساسی است.

اگر به ادبیات قانون‌گذاری در «قانون نحوه وصول پاره‌ای از درآمدهای دولت» توجه کنید، درمی‌یابید که دولت روی جرمی‌ها به عنوان درآمد حساب کرده است! بدون شک، شهروندان در چنین جامعه‌ای احساس باج گرفتن دارند. به طور کلی در شهر عدالت ترمیمی امکان زیست برای همه شهروندان فراهم می‌شود. نظم شهر صرفاً به فضا سازی شهر وابسته نیست بلکه شهروندان و روابط آنان با یکدیگر بسیار مهم است و هویت محله‌ای - که در وضعیت کنونی جامعه کمرنگ شده است - تقویت می‌شود. اگر از منظر دینی نیز به این قضیه بنگریم، درمی‌یابیم در آموزه‌های دینی ما اجازه بر خورد نامناسب با شهروندان داده نشده است. مشهد باتوجه به ظرفیت‌های دینی‌ای که دارد، می‌تواند به عنوان الگو به دیگر شهرهای کشور معرفی شود.

وی برای پایه‌گذاری و ایجاد شهر ترمیمی چنین پیشنهاد کرد: ابتدا باید مصوبه‌ای در شورا



ترویج مسئولیت‌پذیری در اداره امور شهری

گزارش نشست «عدالت ترمیمی - شهر ترمیمی»

نشست «عدالت ترمیمی - شهر ترمیمی» با حضور دکتر محمد فرجیها (عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر سید محسن حسینی پویا (رئیس کمیسیون حقوقی شورای شهر)، دکتر عباس شیخ‌الاسلامی (مشاور حقوقی شهردار)، دکتر تقی ابراهیمی سالاری (رئیس مرکز پژوهش‌های شورای شهر) و برخی مدیران شهری و اعضای هیات علمی دانشگاه به میزبانی کمیسیون حقوقی شورای شهر مشهد برگزار شد.



سید سجاد هوشمند
فعال فرهنگی

و... جلسات متعدد برگزار کنند و دوره‌های آموزشی شکل بگیرد. درآمد کمیسیون نباید از تخلف مردم باشد بلکه مقررات باید به گونه‌ای تدوین شوند که اصلاً تخلف صورت نگیرد. تجربیات صلح و سازش نیز باید مستندسازی و نقاط قوت و ضعف آنان ارزیابی شود. دکتر میرزاجانی، عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، نیز در ادامه اظهار کرد: در خصوص گسترش عدالت ترمیمی در شهر، مسئله هزینه و فایده بسیار اهمیت دارد. ابتدا باید حساسیت نسبت به مسائل گوناگون شکل بگیرد تا بتوانیم شهر ترمیمی را ایجاد کنیم. نظریه اقتصاد جرم «گری بکر» از دهه ۶۰ میلادی مطرح شده است. در عدالت کیفری باید هزینه‌های معنوی و مادی را محاسبه کنیم و فواید و راهکارهای مناسب آن را ارائه دهیم تا مردم کمترین درگیری را داشته باشند.

ادبی، حقوق دان و وکیل دادگستری، نیز با اشاره به نقش شورای اجتماعی محلات گفت: متأسفانه در رسیدگی کیفری رسمی درک صحیحی از مشکلات مردم صورت نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد شروع به ترویج رویکرد شهر ترمیمی باید از محله‌ها آغاز شود. عدالت ترمیمی نیازمند آموزش و ساختارمند کردن است. با توجه به وجود شوراهای اجتماعی محلات باید از ظرفیت این نهادها استفاده کرد. جواد اعظم صادقی، مدیر حقوقی شهرداری، هم در ادامه گفت: خوشبختانه شهردار موافقت اولیه را اعلام کرده و اداره توسعه و ترویج امور حقوقی در حال تجهیز است. آیین‌نامه مقدماتی در این خصوص تهیه شده که باید برای تصویب به شورا ارسال شود. در این راستا، مرکز پژوهش‌های شورای شهر نیز باید همکاری کند و به بررسی و تحقیق بپردازد. اما در حوزه شهرداری ترمیمی با پرسشی اساسی مواجهیم؛ «آیا مسائل و اختلافات شهرداری قابلیت حل و فصل از طریق عدالت ترمیمی را دارد؟» مواردی وجود داشته

به تصویب برسد. سپس کار گروهی در شورا تشکیل شود. این کار گروه مستلزم تشکیل چند کمیته است: ۱- شهرداری ترمیمی؛ اهمیت تشکیل کارگروه شهرداری ترمیمی در این است که قوانین و مقررات این نهاد ارزیابی شوند. قوانین شهرداری باید به گونه‌ای تدوین شوند که شهروندان بدون نیاز به ضابطه و پارتی بتوانند به حقوقشان دست یابند. در همین راستا شهرداری می‌تواند واحد میانجیگری ایجاد کند تا مشکلات مردم را حل کند. به خاطر داشته باشیم که مداخله رسمی و قانونی غالباً به زیربنای مشکلات اعتنا نمی‌دارد و صرفاً بر اساس قانون وضعیت را بررسی می‌کند. ۲- مدرسه ترمیمی؛ این مدارس با مشارکت دانش‌آموزان اداره می‌شوند و خود آنان برای دانش‌آموزان متخلف راهکار ارائه می‌دهند. اگر عدالت ترمیمی شکل بگیرد، عدالت کیفری در این زمینه هیچ راهکار مطلوبی ارائه نمی‌کند. ۳- محیط کسب و کار ترمیمی؛ در خصوص مسائل پزشکی، تجاری، بازرگانی و صنعتی تصمیم‌های متناسب اتخاذ می‌شود. ۴- مسجد ترمیمی؛ نقش مساجد و آستان قدس رضوی در مشهد انکارناپذیر است زیرا وقف و امور خیریه در این شهر وضعیت خوبی دارد. ۵- خانواده ترمیمی، ۶- رسانه‌های ترمیمی، ۷- افزایش آگاهی اعضای کانون و کلا در خصوص عدالت ترمیمی، ۸- دادگاه ترمیمی، ۹- دادسرای ترمیمی، ۱۰- پلیس ترمیمی، ۱۱- شورای حل اختلاف ترمیمی و...

دکتر فرجیها بیان کرد: از آنجا که سیستم رسمی برای برخی مسائل پاسخ‌دهنده و مناسب ندارد، باید به سراغ عدالت ترمیمی برویم. آمار پرونده‌ها و شرایط زمانه وضعیت را برای ایجاد عدالت ترمیمی فراهم کرده است. لذا ابتدا باید طرحی تهیه و در شورا تصویب شود. سپس با کنشگران عرصه عدالت ترمیمی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان زندان‌ها، محلات

که مسئول شهرداری به نهادهای نظارتی مجبور به پاسخ‌گویی شده است.

حمید نجات‌زادگان در ادامه اظهار کرد: برای ورود شهرداری به این حوزه چند نکته را باید مدنظر قرار داد؛ ابتدا باید مطالبه عمومی از جانب مردم شکل بگیرد که این رویکرد با تغییر شورای شهر و شهرداری همچنان باقی بماند. در لایحه مدیریت خدمات شهری، اداره شهر به حوزه شهرداری واگذار شده است و اگر به تصویب برسد، مدیریت جامعه شهری شکل خواهد گرفت. به نظر اقدام دیگری که می‌توان ترتیب داد شناسایی میانجیگران و ریش‌سفیدان و معرفی آنان به عنوان فعال برتر به جامعه است. دکتر بهروزیه نیز با اشاره به اهمیت شکل‌گیری ذهن ترمیمی بیان کرد: ذهن ترمیمی باید مدنظر قرار گیرد؛ زیرا تا نگاه جامعه اصلاح نشود به خروجی ترمیمی دست نخواهیم یافت. اجرایی شدن شهر ترمیمی به صورت پایلوت می‌تواند نتایج خوبی را رقم بزند.

دکتر صنعتی یکی از محوری‌ترین مشکلات جامعه را احساس دیده نشدن و شنیده نشدن شهروندان دانست و گفت: مراقب باشیم خوش‌آغاز بدفرجام نباشیم. لذا بهتر است ابتدا ذهنیت ترمیمی به مردم معرفی شود.

سعیده شکاری، رئیس دبیرخانه کمیسیون‌های ماده ۷۷، در ادامه اظهار کرد: در شهرداری تلاش کرده‌ایم اصل بی‌طرفی را رعایت کنیم اما نباید نقش دستگاه‌های نظارتی و بازرسی را فراموش کنیم. رویکرد ترمیمی، مسئولان را در مقابل دستگاه‌های نظارتی قرار می‌دهد و ممکن است بازخواست شوند. معتقدم عدالت ترمیمی با درآمدزایی شهرداری در تعارض است زیرا کاهش درآمدزایی به کاهش خدمات‌رسانی به شهروندان می‌انجامد.

دکتر ابراهیمی نیز بیان کرد: عدالت ترمیمی مبتنی بر قاعده مصالحه است. از آنجا که شهرداری طرف دعوا قرار دارد، نمی‌تواند به نحو مطلوب به قضیه حل اختلاف ورود کند زیرا ممکن است شهروندان گمان کنند که شهرداری بی‌طرف عمل نخواهد کرد. علاوه بر این، امکان تبانی در حقوق مردم و شهرداری نیز وجود دارد.

احمد الاجه‌گردی، معاون اداره کل نظارت بر ساخت‌وسازها و کمیسیون ماده ۱۰۰، اصلاح قوانین را راهکار مناسب‌تری دانست و گفت: بهتر است قوانین به نحوی اصلاح شوند که امکان سازش و مصالحه از طریق قانون فراهم آید زیرا مواد قانونی دست ما را بسته است.

سروی، مسئول حقوقی خدمات شهری، در ادامه اظهار کرد: در دوره تصدی مسئولیت به عنوان رئیس شعبه ۲۵ شورای حل اختلاف شهرداری توانستم ۴۰۰ پرونده را با مصالحه خاتمه دهم و تاکنون از سوی نهادهای نظارتی بازخواست نشده‌ام. به نظر این مسائل منافاتی با یکدیگر ندارند.

دکتر حسینی پویا در پایان این نشست اظهار کرد: هر چه مذاکلات کمتر شود، خدمت به مردم به نحو مطلوب‌تری محقق می‌شود. برای مثال در ۳ ماه اخیر، ۲۳ شرکت تسهیلگر ایجاد شده است که در بافت‌های ناکارآمد فعالیت می‌کنند. طرح خیرین شهریار می‌تواند در حوزه پروژه‌های فرهنگی، سامان‌دهی کودکان کار، ساخت فرهنگ‌سرا و... فعالیت کند.

در پایان این نشست، حمید نجات‌زادگان دبیر دبیرخانه معرفی شد و تا ماه آینده پیش‌نویس اولیه ایجاد شهر ترمیمی تهیه خواهد شد.

نکات بدیع و حائز اهمیت این دستورالعمل که در دستورالعمل‌های سابق وجود نداشته است چیست؟

این دستورالعمل برای نخستین بار نکات بسیاری را مدنظر قرار داده است. برای مثال، حتی‌الامکان دادستان‌ها یا معاونان آن‌ها در خصوص اظهار نظر نسبت به قرارهای بازداشت موقت صادره اعلام نظر کنند. در این دستورالعمل بستر لازم برای ارتباط مکانیزه واحد کشیک قضایی با زندان فراهم شده است. در زمان معرفی متهم به زندان، مرجع قضایی اطلاعات کامل قرار تأمین کیفری را به نحوی که تودیع وثیقه یا پذیرش کفیل نیازمند دسترسی و اصل پرونده نباشد در بر گه اعزام زندانی و سامانه درج می‌کند، در صورتی که به نظر قاضی صادر کننده قرار تأمین کیفری یا قرار قبولی آن ملک معرفی شده از لحاظ قیمت روز، مساحت و موقعیت تکافوی مبلغ وثیقه را بدهد، نیازی به کارشناسی برای ارزیابی و تقویم نیست. برای صدور حداقل ۱۵ درصد از آرای صادره از محاکم کیفری متضمن مجازات جایگزین حبس برنامه‌ریزی شده است. بستر ثبت اطلاعات موضوع ماده ۹ دستورالعمل به عنوان کیفرخواست فوری به نحوی که ارزیابی عملکرد شعب میسر باشد فراهم شده است. تشکیل واحد کشیک قضایی اختصاصی در زندان حسب ضرورت و به تناسب آمار متهمان تحت قرار در حوزه قضایی شهرستان (با پیشنهاد دادستان مرکز استان و تأیید رئیس قوه قضائیه)، تعیین مهلت یک‌هفته‌ای به منظور بررسی اخلاق و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس برای درخواست آزادی مشروط مطابق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی و ارسال به اجرای احکام و ثبت نتیجه رسیدگی (ارسال پرونده به دادگاه یا مخالفت با درخواست) به همراه ذکر دلایل در سامانه، استقرار دادرسی علی‌البدل در زندان حوزه قضایی هر شهرستان حسب ضرورت و اتخاذ تصمیم در خصوص اعطای مرخصی به محکومان مالی و رسیدگی به درخواست‌های زندانی با پیشنهاد مدیر کل زندان‌ها و تأیید رئیس کل دادگستری استان، اخذ نظریه مددکار اجتماعی زندان در خصوص کافی نبودن تعداد مددکار معاونت اجرای احکام از دیگر ابداعات این دستورالعمل است. در مورد محکومی که بر اساس اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در زندان باشد، با موافقت دادگاه و اخذ تأمین مناسب برای مدتی که دادگاه تعیین می‌کند می‌توان نسبت به دادن مهلت به محکوم علیه برای پرداخت محکوم به جلب رضایت محکوم له اقدام کرد. در این خصوص درخواست محکوم علیه و تصمیم دادگاه در سامانه ثبت و به زندان اعلام می‌شود. ایجاد بخش «مدیریت پرونده‌های نظارت قضایی زندانیان» در سامانه و پیش‌بینی و برقراری دسترسی مناسب برای قضات اجرای احکام کیفری در راستای وظایف در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری امکان‌پذیر شده است. ثبت تمام درخواست‌های قضایی زندانیان در سامانه زندانی و بررسی و انعکاس نتیجه ظرف یک هفته در سامانه از سوی قاضی اجرای احکام مستقر در زندان ابلاغ مراتب به زندانی و انعکاس نتیجه به ذکر تاریخ و ساعت در سامانه توسط رئیس زندان، ثبت درخواست زندانیان در سامانه پیگیری طرف یک هفته و اطلاع به زندان و زندانی بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۷ دستورالعمل، اجرای تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر انتقال زندانی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت وی در صورت عدم مفسده یا تشخیص قاضی صادر کننده رأی قطعی، فراهم کردن سامانه «کارنامه آماری

ساماندهی زندانیان؛ تحولی بزرگ در بدنه قضائی

گفت‌وگو با معاون اجتماعی اداره کل دادگستری خراسان رضوی درباره ابداعات دستورالعمل رئیس قوه قضائیه

زندانی و حبس یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با تبهکاران به منظور دورنگ داشتن مجرمان از جامعه است. این موضوع افزایش آمار زندانیان را در پی داشته که پیامدها و هزینه‌های سنگینی را به جامعه تحمیل کرده است. از سوی دیگر نیز این پرسش همواره مطرح است که زندان در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم توفیق داشته است یا خیر؟ بر این اساس طی چند سال اخیر تدابیری برای جایگزینی حبس مطرح شده است که آخرین آن، دستورالعمل جدید رئیس قوه قضائیه است. رئیس قوه قضائیه در اجرای بند ۶۴ سیاست کلی برنامه ششم توسعه، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس زدایی «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» را به تازگی ابلاغ کرده است. به منظور بررسی این دستورالعمل، گفت‌وگویی با «سید امیر مرتضوی»، معاون اجتماعی اداره کل دادگستری خراسان رضوی، داشتیم که در ادامه آمده است.



فرناز محمدیان
کارشناسی ارشد حقوق
خصوصی



تصمیمات قضایی» برای ثبت عملکرد مقام‌های قضایی در خصوص موضوعات دستورالعمل و امکان دسترسی برخط برای دادسرای انتظامی قضات، امتیازبندی همه فعالیت‌های محکومان در زندان برای بررسی سنجش اقدامات اصلاحی و تربیتی اتقان مصوبات شورای طبقه‌بندی و بهره‌برداری مراجع قضایی، اعطای مرخصی در صورت لزوم با رعایت ماده ۱۳ و معیارهای مقرر در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها تا زمان تصویب آیین‌نامه موضوع ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری از دیگر اقدامات حائز اهمیت است. در اجرای ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، امکان نگهداری محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جزای نقدی نیستند به ازای ۴۰۰ هزار ریال برای هر روز صرفاً در زندان‌های نیمه‌باز و مراکز اشتغال و حرفه‌آموزی فراهم شده است. چنانچه عنوان اتهامی در پرونده دارای مجازات حبس نباشد -در دستورالعمل قبلی سرعت و مجازات شلاق و جزای نقدی قید شده بود- یا نظیر جرائم موضوع بندهای ۱ و ۲ مواد ۴، ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر -که کمتر از ۶ ماه است- باشد، متهم قادر به سپردن تأمین نیست،

زندانی و سامانه توسط مرجع قضایی به نحوی که تودیع وثیقه یا پذیرش کفیل نیازمند دسترسی به اصل پرونده نباشد (در اجرای ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری) از دیگر نکات نوین این دستورالعمل است.

آیا در دستورالعمل‌های پیشین نیز با برخی اقشار خاص مانند زنان، نوجوانان، سال‌خوردگان و غیره با مسامحه برخورد شده بود؟

یکی از اولویت‌های دستگاه قضا در راستای پیشگیری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، توجه به اقشار آسیب‌پذیر و خاص جامعه مانند زنان، نوجوانان و سالمندان است. در همین راستا مؤسسه «احیای حیات سرمد» مأموریت دارد در کنار بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها از این افراد حمایت کند.

ارائه آمار سه‌ماهه چگونه بر کاهش تعداد زندانیان اثرگذار خواهد بود؟

ارائه آمار هر ۳ ماه یک بار موجب رصد و پایش مستمر وضعیت زندانیان و رسیدگی به مشکلات و معضلات پیش روی آنان از طریق بازدیدهای مستمر، دقیق، اصولی و هدفمند می‌شود. به همکاران محترم قضایی تأکید شده است که پرونده‌های زندانی‌دار در اولویت قرار گیرند زیرا زندانی شدن اشخاص حسب شرایط قانونی و با همه ملاحظات، آثار و تبعات فراوانی در فرد، خانواده و جامعه دارد.

علت خودداری دستورالعمل از استعمال عنوان مواد مخدر در مورد معتادان چیست؟

دستگاه قضا به اعتیاد به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار نگاه می‌کند که برنامه‌ریزی همه‌سازمان‌ها و دستگاه‌ها در این حوزه را می‌طلبد. دستگاه قضایی در این راستا تلاش کرده است به صورت مستمر و منظم از مراکز ترک اعتیاد بازدید کند، هشدارها و توصیه‌های لازم را در دستور کار قرار دهد، و زمینه اشتغال و بازگشت معتادان بهبود یافته به جامعه را فراهم کند تا از سرخوردگی، افسردگی، تحقیر و توهین فاصله بگیرند.

آیا راهکاری برای صدور احکام مجازات جایگزین حبس اندیشیده شده است؟ قضات تا چه حد به صدور این احکام عمل می‌کنند؟

کمیته علمی ماده ۷۹ راجع به مجازات‌های جایگزین، ترغیب و تشویق قضات محترم به صدور آرای مذکور و همچنین استفاده از ظرفیت‌های دیگر قانونی مانند تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، تعلیق مراقبتی و غیره را در دستور کار قرار داده است.

آیا از زمان اجرایی شدن دستورالعمل، آماری از کاهش شمار زندانیان ارائه شده است؟

با توجه به اینکه دستورالعمل اخیراً تصویب شده است، باید در بازه‌های زمانی سه‌ماهه، شش‌ماهه و یک‌ساله آمار رصد و کنترل شود. البته هر سال یکی از سیاست‌های راهبردی قوه قضائیه و دادگستری کل استان، مسئله کاهش جمعیت کیفری است. در این راستا استان خراسان رضوی توفیقات فراوانی داشته است و علل افزایش و کاهش آمار و مدت ماندگاری پیوسته رصد می‌شود. علاوه بر این، قضاتی که در جرائم سبک و کم‌اهمیت به جای حبس از دیگر تأسیسات حقوقی استفاده کرده‌اند تقدیر می‌شوند.

دین، فروع دین و اخلاق است. کرامت مادر تمامی خصایص خوب دنیاست. شاهد مثال دیگر، سخن پیامبر در آغاز رسالت خود بود که فرمود: «إنما بُعثت لأتمم مكارم الأخلاق». در همین راستا رذایل و محاسن اخلاقی را می‌شناسیم. منظور از مکارم اخلاقی، مقدم شمردن دیگران بر خود است. لذا اول به فکر جامعه، سپس دیگران و در نهایت به فکر خود باشیم. اگر به این مسئله توجه کنیم، اوضاع جامعه بهتر خواهد شد. اما در مورد نقش مؤثر قرآن بر حقوق و وکالت باید بگوییم از آنجا که نخستین منبع حقوق اسلامی قرآن است، حکم برخی موضوعات به صورت مستقیم -مثل احکام ارث، اثبات برخی موضوعات و برخی جرائم مهم- و حکم برخی به طور غیرمستقیم از قرآن اخذ شده است. لذا به تناسب همین قضیه که خادمی قرآن را داشته‌ام، در هر پرونده‌ای که امکان پذیر باشد، به آیات قرآن استناد کرده‌ام. خوشبختانه قرآن به همه موضوعات پرداخته است و به همین دلیل، همواره تلاش می‌کنم در مورد موضوع‌های گوناگون، آیه مرتبط بیابم.

آیا موکلان یا قضات پرونده‌هایتان از توانایی و استعدادها مطلع هستند؟

خیر. هیچ‌گاه در صدد بیان استعدادها و مهارت‌هایم نیستم؛ زیرا نمی‌خواهم از این موقعیت سوءاستفاده کنم تا موکل یا قاضی بخواهد مرا به استناد این خصایص بپذیرد. علاوه بر این، اگر در شرایط عادی مرتکب خطا شوم مانند دیگر افراد جامعه هستم اما اگر با معرفی جایگاهم مرتکب لغزشی شوم، به طیف گسترده‌ای از جامعه ضربه می‌زنم. همه این مهارت‌ها را به دلیل علاقه شخصی پیگیری کردم و قصد به نمایش گذاشتن آن را ندارم.

چگونه هم به آواز و هم به قرائت قرآن علاقه‌مند شدید؟

برخلاف طرز تفکر برخی، تعارضی میان فراگیری این هنرها وجود ندارد. به قول شاعر «عالم همه فرع توست ای اصل وجود/ غیر از هنر که تاج سر آفرینش است». هنر ساحتی قدسی دارد و دارای شعب متفاوت است. معتقدم همه هنرها جلوه‌ای از ذات زیبای خداوند هستند. البته از آنجا که در تلاوت قرآن مستقیماً با کلام پروردگار سرو کار داریم، قداست بیشتری دارد؛ همان‌طور که معمولاً بهترین آثار خوش‌نویسان هم مربوط به کلام خداوند است.

چگونه فرصت انجام همه این فعالیت‌ها را دارید؟

آمار ساعت کار مفید ایرانیان در مقایسه با مردم دیگر کشورها بسیار کم است. متأسفانه وقت زائد بسیاری داریم و از آن به نحو صحیح بهره نمی‌بریم. اگر بخواهید از آیه تأثیرگذاری یاد کنید کدام آیه قرآن را برمی‌گزینید؟
متأسفانه امروز با مسئله قضاوت و حکم صادر کردن برای دیگران در جامعه مواجهیم. قرآن کریم در سوره مبارکه «حجرات» آیاتی دارد که به این موضوع اشاره دارد. همواره شنیده‌ایم در قرآن آمده است که «بهترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست». اما در ادامه این آیه قیدی آمده است که به آن توجه نمی‌شود. از آیه ۱۰ این سوره، یک سری خصوصیات مؤمنان ذکر می‌شود؛ برای مثال، مؤمنان با یکدیگر برادرند و باید به دنبال صلح باشند، یکدیگر را مسخره نکنند، القاب نامناسب به یکدیگر نسبت ندهند، از گمان بد به افراد بهره‌برند و در زندگی خصوصی دیگران تجسس نکنند. در ادامه به این مسئله اشاره دارد که تنها خداوند می‌داند چه کسی باتقواتر است. لذا ما انسان‌ها ملاک تشخیص نیستیم.



وکالت ذوق است و هنر

گپ و گفتی با وکیلی که هم قاری قرآن است و هم استاد خوش‌نویسی و آواز

وکالت حرفه‌ای سخت، و مناسب کسانی است که روحیه‌ای قدرتمند، اجتماعی و قانون‌مدار دارند. وکلا عمدتاً ریزبین، موشکاف و نکته‌سنج هستند و این بخش از روحیه آنان به هنرمدان شبیه است. شاید همین شباهت سبب شده است که برخی افراد وکالت را ذوق بدانند و هنر. از سوی دیگر نیز تعبیر «وکیل» ۲۴ بار در قرآن کریم آمده است و نظام حقوقی ایران بر پایه قرآن کریم شکل گرفته است. سید حمید هروی از کلای هنرمندی است که لحظات زندگی را غنیمت شمرده و اکنون قاری برجسته بین‌المللی قرآن کریم، استاد خوش‌نویسی، آواز، نقاشی، مجری تلویزیون، مرشد زورخانه، قهرمان ووشو و شاعر است. وی متولد سال ۱۳۴۶ در مشهد است. متأهل و دارای ۲ فرزند است که یکی از آنان دانشجوی ترم چهارم حقوق است. هروی اکنون در حال نگارش پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد مشهد است. با توجه به فعالیت‌های هنری متفاوت و شاخص این وکیل دادگستری، بر آن شدیم گفت‌وگویی با او داشته باشیم.



محمدرضا مهدوی‌الحسینی
کارشناس حقوقی

به طور جدی آن را پیگیری کنم و در مسابقات جهانی رتبه نخست را کسب کنم. تمرین آواز را هم از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم و برای یادگیری این هنر، یک دوره ردیف را نزد استاد جواد احمدپور گذراندم. البته موسیقی کلاسیک را نزد استاد علیرضا فریفته آموختم. خوش‌نویسی را از مقطع راهنمایی که نفر اول مسابقات خوش‌نویسی دانش‌آموزی شدم ادامه دادم.

به نظر شما نقش قرآن به طور کلی در زندگی و به طور جزئی در دادگاه‌ها تا چه میزان مؤثر است؟

متأسفانه امروز از مباحث دینی بهره‌براری سطحی داریم و حتی برخی صرفاً نوعی تقدس ظاهری به آن داده‌اند حال آنکه قرآن به معنای واقعی درس اخلاق، جوانمردی و انسانیت است. شاید مشکل از این است که تنها به بخش احکام قرآن تأکید شده است و از دیگر موضوع‌های آن غفلت شده است. زندگی بر اساس قرآن زندگی زیبایی است که بشریت نیز به دنبال آن زندگی سعادت‌مند شیرین است. منظور از این زندگی، بهره‌گیری از تمامی لذایذ دنیا و پرهیز از همه کاستی‌ها و امور خبط است. با وجود سفرهای متعدد به کشورهای مختلف هیچ کتاب و محتوایی مانند قرآن نیافتیم و وجوه روشنگری و زیبایی‌شناختی زندگی از منظر قرآن با هیچ اثری قابل قیاس نیست. برای مثال، بهترین وجه زندگی انسان داشتن کرامت است. بارها عبارت «قرآن کریم» و «پیامبر اکرم» را شنیده‌ایم. حتی نخستین آیاتی که نازل شد به همین مسئله پرداخته است: «اقرأ و ربك الأکرم». این آیه بیانگر کریم بودن خود خداوند است. دین ما شامل اصول

متأسفانه افراد پرونده‌ها را جنجالی می‌کنند در حالی که به نظر پرونده‌هایی که با عامه مردم سر و کار دارد باید جنجالی شود؛ برای مثال پرونده‌های محیط زیستی که به حقوق آیندگان لطمه می‌زند باید جنجالی شود. به شدت دغدغه محیط زیست دارم. هر چند سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه وجود دارند اما فعالیت مؤثر و مداوم ندارند. امیدوارم یک حرکت عمومی شکل گیرد تا همه شهروندان به این مسئله حساس شوند.

چه عاملی سبب شد وکالت طوسی را بر عهده بگیرید؟

خود سعید طوسی تمایل داشت از من درخواست کرد و کالتش را مثل دیگر شهروندان بر عهده بگیرم. از آنجا که او در ساحت قرآن فعالیت می‌کرد، دوست داشتم به او کمک کنم زیرا نتیجه به همه بازمی‌گشت.

از چه زمانی به آموختن مهارت‌های هنری مانند قرائت قرآن، تمرین آواز و خوش‌نویسی پرداختید؟

قرائت قرآن را از سال ۱۳۶۲ آغاز کردم و در سال ۱۳۷۰ موفق به کسب رتبه اول مسابقات ملی در تهران و همچنین رتبه نخست مسابقات جهانی شدم. قرائت قرآن را به صورت آکادمیک نیاموختم. ابتدا شاگرد مرحوم استاد حسن زاده بودم اما بعدها با تلاش خودم این مسیر را ادامه دادم. اکنون نیز استاد و هم‌داور مسابقات داخلی و بین‌المللی هستم و برای اجرای برنامه نیز به کشورهای دیگر می‌روم. صرفاً به دلیل علاقه‌ای که به خواندن داشتم وارد این وادی شدم. خواندن -چه خوانندگی و چه تلاوت قرآن- را دوست دارم. البته تمرکز بر قرائت قرآن بود و همین علاقه باعث شد

انگیزه شما از انتخاب رشته حقوق چه بود؟ در چه سالی وارد عرصه وکالت شدید؟

علت انتخاب رشته حقوق به این دلیل بود که دوستان نزدیکی داشتم -که امروز از بهترین و کلا هستند- و آن زمان دانشجوی رشته حقوق بودند. در جوار این دوستان، به مباحث حقوقی که طرح می‌شد علاقه‌مند شدم و به همین دلیل رشته حقوق را برگزیدم. سال ۱۳۷۲ وارد دانشکده حقوق و سال ۱۳۷۶ فارغ‌التحصیل شدم. در دومین دوره‌ای که آزمون سراسری وکالت برگزار شد، از میان ۷۰۰۰ نفر، نفر دهم شدم. آن ایام، آزمون وکالت به صورت استانی برگزار نمی‌شد و کشوری بود.

کدام حقوق‌دانان بر زندگی حرفه‌ای شما تأثیرگذار بوده‌اند؟

با توجه به مطالعات اندک حقوقی که داشته‌ام، می‌توانم از استادان بزرگی چون مرحوم دکتر کاتوزیان، مرحوم دکتر شهیدی، دکتر آزمايش، دکتر شمس، دکتر لنگرودی و مرحوم امامی نام ببرم. این اشخاص نقش مؤثری بر دنیای حقوق داشته‌اند. در مشهد هم استادانی مانند دکتر خدابخشی، دکتر عابدی، دکتر معبودی و دکتر امینیان کمک شایانی به حقوق کرده‌اند.

آیا وکالت پرونده‌ای را به عهده داشته‌اید که جنجالی شده باشد؟

یکی از پرونده‌های جنجالی که بر عهده داشتم، پرونده سعید طوسی بود. به نظر من این پرونده نباید جنجالی می‌شد اما برخی در راستای بهره‌برداری‌های سیاسی آن را مهم تلقی کردند و گرنه تعداد این گونه پرونده‌ها کم نیست.



پارک = پنجری؟

تهدید به ایراد ضرر مالی جرم است

پانزدهمتری شیر آتش نشانی یا شیر آب، مدرسه (محل توقف سرویس مدارس) و... ورودی و خروجی کوچه، خیابان و جاده، داخل میادین، پیاده‌روها و گذرگاه‌های عابر پیاده یا حاشیه خیابان‌هایی که پیاده‌رو ندارند و عابر از آنجا عبور می‌کند، پارک دوبله کنار وسیله نقلیه‌ای دیگر خصوصاً در خیابان‌های کم‌عرض، درون تونل، روی پل، زیر پل، حداقل ۱۵ متر قبل و بعد از تقاطع، پانزدهمتری اطراف چراغ‌های راهنمایی و رانندگی یا محل‌هایی که توقف وسایل نقلیه مانع دید علائم راهنمایی و رانندگی شود، از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها، در هر نقطه از معابر در حال تعمیر، شست‌وشو یا تعویض روغن و در طول مسیرهای ویژه اتوبوس و دوچرخه و همچنین در طول مسیر و خط‌های عبور از آذرخه‌ها و در نهایت ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی نباید پارک کرد. در وهله بعد، باید بدانید اگر چه کوچه در مالکیت عمومی است، خانه‌های واقع در آن در حد رفت‌وآمد خود نسبت به آن حق دارند. لذا پارک کردن در کوچه‌ها نباید مانع رفت‌وآمد صاحبان منزل شود. پارک در برابر دیگر درها نیز اگر امکان رفت‌وآمد عابر پیاده یا وسایل متعارف مثل دوچرخه و موتورسیکلت را سلب کند

این روزها مشکل پارک خودرو در نقاط مختلف شهر بسیاری از شهروندان را سردرگم کرده است. بسیاری اتفاق می‌افتد که رانندگان برای توقفی چند دقیقه‌ای، زمانی طولانی به جست‌وجوی محل پارک می‌پردازند. در این میان، برخی‌ها چاره‌ای جز حرکت نمی‌بینند و برخی دیگر مقابل درب پارکینگ منازل توقف می‌کنند! از سوی دیگر، مالکان و مغازه‌داران نیز گاهی در اقدامی غیرقانونی، با قرار دادن موانع به اشکال مختلف، از توقف دیگر رانندگان جلوگیری می‌کنند. برخی دیگر نیز با نصب تابلوی «پارک = پنجری»، «اینجا محل تخلیه دائم بار است» و... مانع توقف می‌شوند. اما به راستی حق با چه کسی است؟ نخست باید بدانیم که در چه محل‌هایی پارک خودرو مجاز است. کنار خیابان‌ها معمول‌ترین مکان برای توقف خودروهاست که اگر هیچ علامتی مبنی بر ممنوعیت پارک نبوده، می‌توانید پارک کنید. طبق آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی زیر تابلو «توقف ممنوع» و «توقف مطلقاً ممنوع» نباید پارک کرد. در ناحیه تابلو «محدوده پارک ممنوع» تا رسیدن به تابلو پایان محدوده، سر پل‌ها و درب پارکینگ‌ها، پانزدهمتری بیمارستان، فوریت پزشکی و پلیس، آتش‌نشانی،

حقوق شهرنشینی

شود. اما نباید انتظار داشته باشید که نیروی انتظامی در کلان‌شهری مثل مشهد با این اوضاع خیابان‌ها و پارک کردن‌ها وقت خود را به این موارد اختصاص دهد. علاوه بر این، نیروی انتظامی هم نمی‌تواند بدون دستور قضایی با خود راننده متخلف برخورد کند و نهایتاً با مالک خودرو تماس می‌گیرد تا پس از جریمه و پرداخت عوارض، خودرو را تحویل بگیرد.

اما اگر خیلی پیگیر هستید و می‌خواهید با این اوضاع شلوغی دادسراها و وقت‌های طولانی، قضیه را پیگیری کنید، با مشاهده پارک خودرو مقابل منزل خود، ابتدا با ۱۱۰ تماس بگیرید تا حاضر شود و خودرو جابه‌جا شود و پلیس گزارش تهیه کند. عکس‌های واضحی از خودرو بگیرید که خودرو، پلاک آن و ورودی ساختمان معلوم باشد. سپس صورت جلسه‌ای از مزاحمت خودرو تنظیم کنید و استشهاد محلی بگیرید که شهود در دادسرا هم حاضر شوند و شهادت بدهند. در نهایت، گزارش، تصاویر و صورت جلسه را تقدیم دادستان در دادسرا کنید و منتظر باشید تا رسیدگی شود!

نکته دیگر قرار دادن موانع از سوی کسبه، نهبانان اداره‌ها یا هر شخص دیگر در کنار کوچه، خیابان، مقابل مغازه یا خانه و ممانعت از پارک خودروهای دیگر - چه موقتی چه دائم - است که از مصادیق نقض آشکار حقوق شهروندی محسوب می‌شود و طبق قانون، مجازات نیز دارد؛ زیرا مطابق ماده ۲۴ قانون مدنی هیچ‌کس نمی‌تواند راه‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌هایی را که آخر آن‌ها مسدود نیست تملک کند.

متأسفانه امروزه این رویه اشتباه مغازه‌داران و مالکان یک مسئله عادی تلقی می‌شود زیرا فرهنگ‌سازی لازم در این باره صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، مردم به علت آگاه نبودن از حق و حقوق قانونی و شهروندی خود، به راحتی از این موضوع می‌گذرند. البته برخی‌ها نیز به دلیل پیشگیری از درگیری‌های احتمالی این قضیه را پیگیری نمی‌کنند.

اگر آن قدر وقت دارید که تا آمدن افسر صبر کنید و بعد پارک کنید، می‌توانید جمع‌آوری چنین موانعی را از پلیس راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی یا ۱۱۰ بخواهید.

ممنوع است. اگر شما در کوچه‌ای بن‌بست ساکنید، تمام فضای داخل کوچه حق شما و همسایگان است؛ یعنی کسانی که به ساختمان‌های کوچه دسترسی یا حق عبور دارند. لذا برای رسمی کردن این قضیه می‌توانید یک نامه تنظیم کنید و با ارائه آن به شهرداری دیگران را ملزم کنید که خودرویشان را داخل کوچه شما پارک نکنند و حتی برای کوچه در بگذارید.

اگر شما پیاده‌رو را سنگ‌فرش کرده‌اید، گل و درخت کاشته‌اید، هیچ حقی نسبت به آن و فضای مجاور در کوچه ایجاد نمی‌کند. حتی اگر کسی مقابل در پارکینگ شما پارک کند، شما حق ندارید او را تهدید به پنجری کنید بلکه صرفاً می‌توانید برای رفع مزاحمت، از ضابطان قضایی (نیروی انتظامی) کمک بخواهید زیرا شما قاضی نیستید که برای گرفتن حقتان اُسام اقدام کنید. بد نیست بدانید طبق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، تهدید به ایراد ضرر مالی تا ۷۴ ضربه شلاق یا ۲ ماه تا ۲ سال حبس دارد. بر اساس ماده ۶۷۷ قانون مجازات نیز تخریب عمدی اموال دیگری از ۶ ماه تا ۳ سال حبس خواهد داشت.

لذا بهترین شیوه نصب تابلوهای «توقف ممنوع» آن هم صرفاً مقابل پل یا در ورودی خانه است. اما اگر همسایه‌تان دائماً خودرو را طوری پارک می‌کند که شما نمی‌توانید از رمپ ورود به پارکینگ استفاده کنید، می‌توانید با عنوان ایجاد «مزاحمت و ممانعت از حق» از وی شکایت کنید. اگر هم خودرو ناشناسی مقابل پارکینگ پارک کرده است، باید با ۱۱۰ تماس بگیرید. واقعیت این است که اینجا یک خلأ قانونی وجود دارد. ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی - که مربوط به مزاحمت و ممانعت از حق است و مجازات آن یک ماه تا یک سال حبس است - این مورد خاص را جرم‌انگاری نکرده است. البته صرف جرم‌انگاری نیز مشکل را حل نخواهد کرد زیرا پیگیری این فرایند برای مالک بسیار زمان‌بر و هزینه‌بر است. علاوه بر این، مجازات آن به هیچ‌وجه متناسب با جرمی نیست که واقع شده است.

تماس با ۱۱۰ و اعلام این اتفاق می‌تواند به انتقال خودرو پارک‌شده با جرثقیل به پارکینگ منجر

دادگاه در چه شرایطی با طلاق به درخواست زن موافقت می‌کند؟

زوجین به یکدیگر وجود ندارد یا به علت نامساعد بودن فضای روانی میان زوجین، در صورت بازگشت به زندگی مشترک، امکان بروز خشونت فیزیکی یا آبرویی وجود دارد. وجود پرونده‌های قضایی متعدد علیه یکدیگر در محاکم دادگستری یکی از مواردی است که قاضی دادگاه را در این باره مجاب می‌کند.

ج: بند سوم مربوط به بخشش مهریه است. یکی از راه‌هایی که قاضی دادگاه از نبود رابطه عاطفی بین زوجین به یقین می‌رسد آن است که زن حاضر باشد در قبال طلاق، تمام یا بخشی از مهر خود را ببخشد. بنابراین بخشش مهریه به قصد جدایی از نشانه‌هایی است که قاضی دادگاه را مطمئن می‌کند زن قصدی برای بازگشت به زندگی مشترک ندارد.

۱۱۳۰ قانون مدنی، طلاق دهد. این دلایل چه می‌تواند باشد؟ رویه قضایی ایران به ۳ گروه از دلایل تمایل دارد:

الف: زوجین برای مدتی طولانی از یکدیگر جدا زندگی کرده و رابطه زناشویی نداشته‌اند. این مدت در قانون مشخص نشده است اما در رویه قضایی عملاً [جدایی] مربوط به زمانی است که زوجین عرفاً از یکدیگر جدا زندگی کنند و به قطع ارتباط «قهر» اطلاق نشود. دادگاه‌های خانواده در تهران عمدتاً جدایی کمتر از یک سال را دلیلی برای طلاق به حساب نمی‌آورند.

ب: دسته دوم مربوط به تعدد دعوای علیه یکدیگر است. قاضی دادگاه خانواده باید به این جمع‌بندی رسیده باشد که امکان بازگشت

اول اینکه مرد یا هم‌زمان با عقد یا بعد از آن (هر زمانی ممکن است) به موجب یک وکالت‌نامه رسمی - الزاماً باید در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده باشد و نه در قباله از دواج یا دفاتر ازدواج - به زن اختیار داده باشد در هر زمان بتواند با مراجعه به دادگاه و بدون نیاز به حضور شوهر، طلاق بگیرد.

دوم اینکه در انتهای قباله ازدواج، بعضی از شروط به صورت پیش‌فرض و تمثیلی ذکر شده‌اند. مثلاً اگر زوج ۶ ماه نفقه ندهد یا به حبس طولانی محکوم شود یا حکم قطعی رابطه نامشروع علیه او صادر شود، برای زن حق طلاق ایجاد می‌شود.

سوم آن است که زن با طرح دلایلی، بتواند قاضی را متقاعد کند که شرایط زندگی مشترک برای او دشوار است و قاضی او را بر اساس ماده



کاوه راد
وکیل پایه یک دادگستری

حقوق خانواده

بر اساس نظام حقوقی ایران، زن حق طلاق ندارد مگر:

یک: به موجب وکالت رسمی، از سوی زوج به او وکالت در طلاق داده شده باشد.

دو: یکی از موارد مندرج در شروط انتهای قباله ازدواج (مثل حکم قطعی دال بر رابطه نامشروع یا اعتیاد مضر) رخ داده باشد.

سه: ایجاد عسر و حرج برای زن بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی.

اما این شرط‌ها به زبان ساده به چه معناست؟

چگونه با اطمینان خاطر معامله کنیم؟

حقوق قراردادها

ابتدا باید بدانید قراردادی که در قالب قولنامه در بنگاه‌های معاملاتی یا بیرون از آنجا تنظیم می‌کنید سندی عادی محسوب می‌شود. به همین دلیل، هر یک از طرفین قولنامه خرید یا فروش که باشید، باید نهایت دقت را در تنظیم آن داشته باشید تا بعدها به مشکل برخوردید.

مال در وثیقه یا رهن و توقیف نباشد

خریدار باید مشخصات مالی را که قصد خرید آن را دارد با آنچه در سند قید شده است مطابقت دهد و بفهمد که مال در وثیقه یا رهن یا در توقیف است یا خیر. در این خصوص، می‌توانید از اداره ثبت اسناد استعلام یا از کد رهگیری استفاده کنید. اگر طرف خریدار یک ملک هستید، بررسی کنید که توابع، منضات، ملحقات و مشاعات ملک به طور واضح در سند توصیف شده باشند (آب، برق، گاز، تلفن، پارکینگ، انباری و غیره). فروشنده باید مشخصات ملک به‌ویژه مشخصات مربوط به عیب و نقص را در قولنامه تصریح کند. همچنین باید مطمئن شوید که ملک مذکور در تصرف مستأجر نباشد و اگر چنین بود، ترتیب، مهلت و ضمانت اجرای بیرون رفتن مستأجر را قید کنید. دقت داشته باشید که ملک مشکل ثبتی نداشته باشد.

احراز سمت طرفین

اگر کسی که قولنامه را امضا می‌کند وکیل، ولی یا قیم مالک باشد، خریدار باید سمت آن‌ها را احراز و بررسی کند که آیا وکیل در وکالت‌نامه خود حق فروش و گرفتن قیمت مال را دارد یا خیر. همچنین درباره امضای قولنامه از سوی ولی، سن کودک بررسی شود.

اگر امضاکننده قیم مالک باشد، باید مشخص شود که آیا قیم به‌تنهایی حق فروش مال مالک را دارد یا با دخالت مقام قضایی چنین حقی برای او در نظر گرفته شده است.

مشاهده گواهی انحصار وراثت و احراز هویت‌ها

اگر مورد معامله از طریق ارث به فروشنده رسیده است، باید گواهی انحصار وراثت را مشاهده کنید. فتوکپی برابر اصل آن را نیز از فروشنده بگیرید. تسویه حساب مالیات بر ارث را هم ملاحظه کنید. همچنین باید مطمئن شوید که فروشنده ممنوع‌المعامله نباشد زیرا در این حالت، فروشنده قادر به انتقال رسمی ملک به شما نخواهد بود.

اگر فروشنده مسن یا مریض احوال است و حرکات غیر عادی دارد، این احتمال را بدهید که او محجور است و برای اطمینان، به اداره سرپرستی محجوران مراجعه کنید. مطمئن شوید که نام وی در میان اسامی محجوران نباشد.

خودداری از پرداخت کل قیمت معامله

تا زمانی که مورد معامله را دریافت نکرده‌اید یا مورد معامله با سند رسمی به شما منتقل نشده است، از پرداخت کل قیمت مورد معامله خودداری کنید و اگر فروشنده معامله هستند، مورد معامله را قبل از دریافت تمام قیمت به خریدار تحویل ندهید. حتماً در خصوص پرداخت مابقی قیمت از طرف خریدار، زمان تعیین کنید و این نکته ذکر شود که در صورت پرداخت نکردن در تاریخ مقرر، می‌توانید معامله را فسخ کنید.

بررسی توان مالی خریدار

از توان مالی خریدار برای پرداخت قیمت معامله اطمینان حاصل کنید و شروطی در قولنامه بیاورید که در صورت پرداخت نکردن قیمت یا ناتوانی از پرداخت، حق برهم زدن معامله را داشته باشید.

درج امضای همه مالکان

اگر مالکان چند نفر باشند و یکی از آن‌ها عهده‌دار مذاکره با شما باشد، ذیل قولنامه باید به امضای همه مالکان برسد، مگر اینکه به یک نفر وکالت در فروش بدهند و او قولنامه را از طرف همه مالکان امضا کند.

الزام به تنظیم سند

اگر از حضور در دفتر خانه اسناد رسمی و انتقال سند مالکیت مورد معامله خودداری کنید، طرف مقابل می‌تواند الزام به تنظیم سند رسمی انتقال را از دادگاه درخواست، و پس از قطعیت حکم، درخواست صدور اجرائیه کند. با خودداری طرف معامله از حضور در دفتر خانه، نماینده اجرای احکام، سند انتقال را امضا خواهد کرد.



مشاعات؛ بهره‌مندی از بخش‌های اشتراکی ساختمان

حقوق آپارتمان‌نشینان

داشته باشد.

همچنین بسیاری از برج‌های مسکونی دارای سالن اجتماعات هستند که مختص ساکنان برج است و در صورتی که هر واحد بر نامه زمان بندی شده مشترک یا اختصاصی ای داشته باشد، با پرداخت مبلغی که هیئت مدیره مصوب می‌کند قابل اجاره است. بنابراین هیچ یک از اعضای واحدها بدون کسب مجوز از دیگران حق استفاده از آن را ندارد. حتی مدیران برج نیز بدون جلب موافقت ساکنان یا مجمع عمومی ساختمان که از اکثریت خاصی از مالکان ساختمان تشکیل می‌شود، حق استفاده از فضاهای مشترک ساختمان در موارد غیر ضرور مانند اجاره دادن سالن اجتماعات به افرادی خارج از مجموعه به بهانه‌های مختلف مانند کفایت ندادن درآمدهای برج یا غیره را ندارند. اگر تعداد مالکان مجتمعی بیش از ۳ نفر باشد، مالکان باید مجمع عمومی مالکان یا جلسه‌ای تشکیل دهند و از بین خود یا شخصی خارج از مجتمع، فردی را به عنوان مدیر ساختمان انتخاب کنند تا برای اداره و پرداخت هزینه‌ها یا احتساب درآمدهای آپارتمان و اطلاع به ساکنان از طریق تابلوهای اخباری ساختمان تصمیم‌گیری شود. در صورت به وجود آمدن اختلاف میان واحدها در خصوص قسمت‌های مختلف آپارتمان، معترض می‌تواند پیش از اقدام از طریق مراجع رسمی مانند دادگاه یا اجرای ثبت، موضوع را با مدیر ساختمان در میان بگذارد تا با طرح در مجمع عمومی ساختمان، برای آن اختلاف راه حلی جست‌وجو شود. برای نمونه، پرداخت شارژ یا هزینه‌های مشترک ساختمان که به تصویب هیئت مدیره می‌رسد یا مطابق عرف است، از وظایف هر یک از ساکنان آپارتمان‌ها بسته به زیربنای اختصاصی هر واحد است. اگر هر یک از واحدها در پرداخت آن کوتاهی کند، از طرف مدیر یا هیئت مدیران اظهارنامه‌ای برای پرداخت ریز مطالبات درخواستی ساختمان به واحد مزبور فرستاده می‌شود که ظرف ۱۰ روز مهلت پرداخت دارد؛ در غیر این صورت، مدیران حق دارند واحد مزبور را از خدمات مشترک ساختمان از قبیل استفاده از شوقاژ، برق، گاز و ... محروم کنند. اگر پرداخت نکردن هزینه‌ها از طرف واحد مزبور ادامه یافت، هیئت مدیره از طریق اجرای ثبت محل آپارتمان اقدام لازم را انجام خواهد داد و در صورتی که امکان محرومیت از خدمات مشترک ساختمان از طرف مدیران مربوط وجود نداشته باشد، می‌توانند از طریق دادگاه‌های ذی‌ربط شکایت کنند.

گروه تحریریه «مرد قانون»/

اصطلاح حق مشاعات همان قابلیت بهره‌مندی از قسمت‌های مشترک قابل استفاده در مجتمع‌های آپارتمانی یا برج است که هر یک از مالکان یا استفاده‌کنندگان به غیر از قسمت‌های اختصاصی خویش دارا هستند. برای مثال حق استفاده از آسانسور، حیاط، لابی، راهرو، راه‌پله، بام، درب ورودی اصلی، درب پارکینگ و مواردی از این دست، قسمت‌های مشترک هر مجتمعی هستند که دارای واحدهای متعدد است و همه افراد آن مجتمع حق استفاده «متعارف» از آن را دارند.

در واقع هر قسمت که در سند اختصاصی واحدی پیش‌بینی نشده است یا مطابق عرف متعلق به آن نباشد، قسمت مشاع آپارتمان محسوب می‌شود و متعلق به همه ساکنان آن مجموعه است. پس اگر یکی از واحدها در راهرو، راه‌پله یا حیاطی که متعلق به همه مالکان آن آپارتمان است مانعی ایجاد کند یا اشیای اضافی ای قرار دهد، حقوق مشاع دیگر واحدها را زیر پا گذاشته است. حتی به نظر می‌رسد در قسمت راهروهایی که منتهی به درب ورودی هر واحد می‌شود، هیچ کس حق گذاشتن کفش یا جاکفشی ندارد، مگر اینکه مطابق دستورالعمل هیئت مدیره ساختمان مجاز باشد. در غیر این صورت، مکلف به کسب اجازه و رضایت دیگر واحدهاست. نما و زیبایی ساختمان‌ها یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که باید رعایت شود. معمولاً آپارتمان‌ها دارای نمای بیرونی مشابه هستند که با نمای داخلی هر یک از واحدها بنا به سلیقه هر یک از مالکان، متفاوت است و اعضای ساختمان حق تغییر شکل یا ایجاد تفاوت در نمای بیرونی مذکور را ندارند. مثلاً مالکی نمی‌تواند قسمت بیرونی ساختمان آجرنمایی را که در آن سکونت دارد و متعلق به اوست، سنگ نما کند یا اگر درب‌های ورودی هر یک از واحدها دارای شکلی یکسان است، مالک واحدی مجزا نمی‌تواند آن را تعویض کند و دری با شمایل متفاوت بگذارد مگر با جلب موافقت سایر واحدها.

پارکینگ آپارتمان‌ها نیز با توجه به سند اختصاصی هر واحد مربوط به مالک آن است. بسیار دیده شده است که عده‌ای به علت طرح‌های ترافیکی موجود دارای ۲ خودرو یا یک خودرو و یک موتور هستند و فضای بیشتری از پارکینگ اختصاصی را اشغال می‌کنند. حتی اگر در قسمت پارکینگ متعلق به واحد دیگر خودروی موجود نباشد، این عمل خلاف مقررات آپارتمان‌نشینی است. بنابراین در صورت نیاز به فضای بیشتر، با موافقت مالک قسمت مزبور یا با جلب رضایت سایر ساکنان در قسمت مشاع، می‌توان محل مزبور را اجاره کرد، مگر توافقی در این زمینه وجود



صفحه‌آرا: هادی قهرمانی
ویراستار: ایرج طوفان
باتشکر از: دکتر سید محسن حسینی پویا،
سید امیر مرتضوی، دکتر عباس شیخ
الاسلامی، سید حمید هروی، فرشاد عزیزز

"شهرآرا" ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول شهرآرا: مجید خرمی
رئیس اداره ضمیمه: زهره الوندی
دبیر ماهنامه شهرآرا: فرناز محمدیان
مدیر هنری شهرآرا: احسان رضایی

پرسش و پاسخ حقوقی



همسر من در جیب من دستگاه شنود قرار داده و مرا متهم به داشتن رابطه نامشروع کرده است و اکنون خواستار انتقال سند خانه به نام خودش است. من از این کار امتناع کردم و طلاق توافقی گرفتیم. او پس از طلاق مکالمه ضبط شده را میان اقوام و دوستان منتشر کرده و موجب آبروریزی شده است و مدام از طریق پیامک مرا تهدید می‌کند. چه اقدام قانونی می‌توان علیه وی صورت داد؟

شما می‌توانید به جرم تهدید و استراق سمع و همچنین هتک حرمت علیه ایشان شکایت کیفری کنید اما اگر او رابطه نامشروع شما را اثبات کند مجازات خواهید شد.

آیا زن یا شوهر درباره همسر خود از اولیا دم محسوب می‌شوند و از حق قصاص برخوردارند؟

زن و شوهر جزو اولیای دم محسوب نمی‌شوند اما از دیه ارث می‌برند. به عبارت دیگر این دو شخص دخالتی در قصاص ندارند اما اگر کار به دیه برسد جزو ورثه محسوب می‌شوند.

سربازی ام را به صورت اقساطی خریده‌ام؛ یعنی یک سوم مبلغ را به طور نقد پرداخت کردم و مابقی را به صورت اقساطی ماهانه پرداخت می‌کنم. اکنون شغلی پیدا کرده‌ام که مرا بیمه تأمین اجتماعی می‌کند. حال با توجه به شرایطی که دارم آیا امکان بیمه شدن من وجود دارد؟

بله، بیمه شدن شما ارتباطی به سربازی نخواهد داشت.

آیا متن پیامک تلفن همراه در مخابرات ثبت می‌شود؟ پیامک‌هایم را از گوشی تلفن همراه پاک کرده‌ام و اکنون به برخی از آنان برای استناد در دادگاه نیاز دارم.

پیامک‌ها از طریق نامه دادگاه تا ۲ سال و تماس‌ها تا ۵ سال ذخیره می‌شوند. اگر پیامک‌هایی که نیاز دارید در ۳ ماه اخیر باشد، با درخواست خودتان نیز قابل ارائه در مرکز مخابراتی است.

آیا به زن خیانت‌کار مهریه تعلق می‌گیرد؟ مهریه از حقوق مالی زن است که مرد تحت

هر شرایطی مکلف به پرداخت آن است و به دلیل خیانت همسر نمی‌تواند از پرداخت مهریه خودداری کند. البته در صورت اثبات خیانت همسرتان می‌توانید از وی طلاق بگیرید.

در صورتی که در قولنامه ماشین ذکر شده باشد که ماشین ۶ ماه بیمه دارد و پس از خرید متوجه شوم فروشنده دروغ گفته است و ۳ ماه از وقت بیمه نیز گذشته است، آیا می‌توانم شکایت کنم؟

اگر در زمان خرید ماشین بیمه‌نامه را رؤیت کرده باشید، دلیل بر اطلاع است و حق شکایت ندارید اما اگر بیمه‌نامه را رؤیت نکرده باشید، به عنوان خیار تخلف وصف بلافاصله بعد از زمان اطلاع باید اقدام کنید. از آنجا که این خیار فوری است و مهلت محدود دارد، به محض اطلاع باید برای طرح دعوا اقدام کنید.

در یک سایت شرط بندی شرکت کردم و مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان متضرر شدم و از طریق سایت از حساب من کسر شده است. اکنون در اداره پلیس فتای شهرستان پرونده دارم. پس از پیگیری فهمیدم صاحب سایت خارج از کشور است. در صورتی که صاحب حساب پیدا نشود، تکلیف پول من چه می‌شود؟ آیا گردانندگان سایت که در ایران هستند به پرداخت پول من موظف هستند؟ از آنجا که شرط بندی در قانون جمهوری اسلامی ایران جرم محسوب می‌شود، اگر با عنوان شرط بندی شکایت مطرح شده باشد پولی به شما استرداد نمی‌شود. اگر صاحب سایت هم ایران نباشد استرداد مبلغ تقریباً امکان پذیر نیست.

آیا اگر شوهرم به دلیل نشوز من از دادگاه حکم ازدواج دوباره بگیرد، این موضوع به من اجازه می‌دهد که به استناد بندهای سند ازدواج مثل عسر و حرج یا بند ۱۲ عقدنامه از او طلاق بگیرم؟ خیر، از آنجا که ازدواج با اجازه دادگاه انجام شده است، شما به این دلیل حق طلاق ندارید.

همسر من در دادگاه علیه من شکایت طرح کرده است و خواهان فسخ نکاح به دلیل بیماری صرع

آیا اگر فرزندی از پدرش کلاهبرداری کرده باشد و در دادگاه محکوم شود، از پدرش ارث می‌برد؟ بله ارث می‌برد؛ زیرا کلاهبرداری مانع ارث بردن نمی‌شود. مواعی که طبق قانون مدنی باعث می‌شوند شخص نتواند ارث ببرد عبارتند از: قتل متوفی، کفر، لعان، ولادت ناشی از زنا، برده بودن، غائب مفقود الاثر، فوت پیش از متوفی.

میزان مهریه قابل وصول چقدر است؟ بیشتر از ۱۱۰ سکه قابل دریافت است؟

تا ۱۱۰ سکه قابل وصول است و در صورت اعسار زوج، قانون او را مجاب به پرداخت بیش از ۱۱۰ سکه نمی‌کند. مهریه زن هر میزان که باشد، مرد مکلف به پرداخت ۱۱۰ سکه است و الباقی مهریه تنها در صورتی قابل وصول است که زن بتواند ملائت مالی همسرش را ثابت کند اما اگر مالی از شوهر شناسایی نشود، طبق ماده ۲ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود و اگر مرد اثبات کند که توان پرداخت ندارد، مهریه همان ۱۱۰ سکه خواهد بود.

آیا شخص می‌تواند قبل از فوت، تمام اموال خود را به دیگری واگذار کند؟

بله. هر کس می‌تواند تا زمان پیش از فوت، تمامی اموال خود را به هر شخصی که بخواهد منتقل کند اما برای پس از فوت، تنها تا میزان یک سوم از اموال خود را می‌تواند از طریق وصیت به دیگری منتقل کند و مازاد بر یک سوم به اجازة تمام ورثه نیاز دارد.

من است در حالی که من اصلا صرع نداشته‌ام. تنها یک مرتبه بعد از ۶ ماه از ازدواج به دلیل افت قند خون تشنج کردم و به متخصص مغز و اعصاب مراجعه کردیم و دکتر گفت بر اساس آزمایش‌ها سالم هستم و تنها صرع خفیف دارم، پس از طرح شکایت از جانب همسر من به ۲ متخصص دیگر مراجعه کردم و تشخیص دادند که صرع ندارم و تنها کاهش میزان قند خون باعث تشنج من شده بود. قبل از عقد به همسرم گفته بودم که افت قند خون دارم و با این مسئله مشکلی نداشت اما حالا می‌گویند صرع داشتم و به او نگفتم. آیا دادگاه رأی به فسخ نکاح می‌دهد؟

خیر، همسر شما نمی‌تواند بر اساس این دلیل برای فسخ نکاح اقدام کند. ضمن اینکه از وضعیت شما به دلیل کاهش قند خون مطلع بوده است.

آیا همسر من بدون اینکه بخواهد از من طلاق بگیرد، می‌تواند مهریه‌اش را - که ۱۱۰ سکه است - مطالبه کند؟ از آنجا که توانایی پرداخت مهریه را ندارم، با وجود پا برجا بودن زندگی مشترک، مجازات حبس در مورد من اعمال می‌شود؟ در این صورت تکلیف فرزندان و زندگی مشترک چه می‌شود؟ اگر ۶ ماه یا بیشتر در زندان بمانم آیا همسر من می‌تواند به دلیل پرداخت نکرده نفقه تقاضای طلاق دهد؟

بله، همسر شما می‌تواند برای مطالبه مهریه اقدام کند بنابراین اگر پرداخت نکنید می‌تواند برای جلب شما اقدام کند. علاوه بر این در صورت پرداخت نکردن نفقه به مدت ۶ ماه، حق طلاق خواهد داشت.

مبلغ ۵ میلیون تومان را به شخصی داده‌ام اما تنها مدتی که دارم، قبض خودپرداز بانک است. آیا به صرف همین قبض می‌توانم در دادگاه طرح دعوا کنم؟ آیا برای این مبلغ حکم جلب وی صادر می‌شود؟

بله، با استناد به همان رسید بانکی، می‌توانید دادخواست مطالبه وجه از طریق دفاتر الکترونیک خدمات قضایی بدهید.

شهروندان محترم

می‌توانند پرسش‌های

حقوقی خود را با ذکر واژه

«شهرآرا» به شماره پیامک

۳۰۰۰۷۲۸۹ ارسال نمایند.